نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال چهاردهم - شماره ۶۵۳ - یک شنبه ۷ اسفند ۱۳۹۰ - ۸ صفحه - ۳۰۰ تومان



پیروزی سرخ پوشان بندر، قصه قشنگ نشاط آور

همه بوشهری ها دل‌نگران شاهین



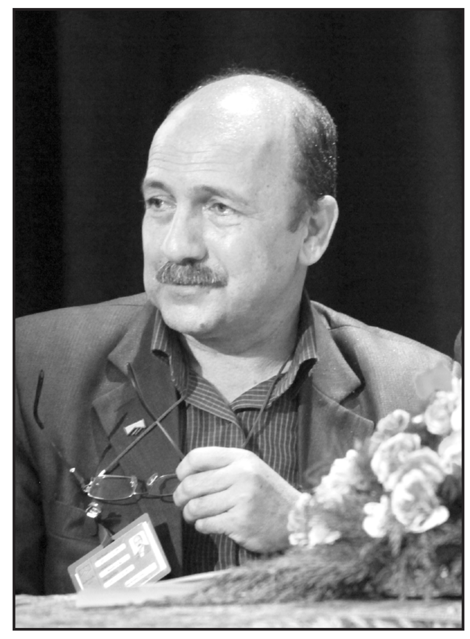
مصاحبه با پرفسور جودیت ماریوت، دکترای موسیقی ایرانی:

موسیقی بوشهر، سرشار از هیجان و انرژی مثبت است



مصاحبه با مهندس علیرضا سنایی دشتی، رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر به مناسبت روز مهندسی:

مهندسین در صف مقدم تاثیر گذاران جامعه هستند



– جناب آقای مهندس سنایی به عنوان اولین سوال، به نظر شما نقش مهندسین در توسعه کشور چیست؟
– توسعه طبیعتا ناشی از برنامه ریزی های کلی جامعه بر اساس تجربیات گذشته، توان حال و هدف های آتی است و نظر به پیشرفت تکنولوژی در عصر جدید لزوما افراد آشنا با آن و دارای توان علمی می توانند در تحقق توسعه تاثیرگذار باشند که در خط مقدم مهندسین، اولین نقش را خواهند داشت.
– به عقیده ی شما مهندسی از لحاظ سخت افزاری و نرم افزاری در سالهای اخیر چه پیشرفتهایی داشته است؟
– بطور اخص درباره ساخت و ساز اگر صحبت کنیم تکنولوژی آن پیشرفت سریع و گسترده ای را داشته است بطوریکه طراحی ها و تهیه مصالح و حتی اجرا در زمینه های سازه، معماری، برق و مکانیک تفاوت خود را با گذشته نشان داده و پارامترهایی از قبیل ایمنی، رفاه، آسایش و سرعت در آن بطور چشمگیری افزایش یافته و صنعتی سازی و صرفه جویی انرژی با استفاده از روش های نوین و طراحی های مناسب در حال رسوخ در جامعه سازنده می باشد.
– به نظر شما مهمترین چالش های پیش روی مهندسین و جامعه مهندسی چیست؟
– شاید از چالش های مهم در زمینه خدمات مهندسی ساخت و ساز را بتوان حضور این متخصصین در اجرا بصورت مدیریت واحد و پذیرش آن توسط جامعه دانست. در عین حال که تعامل دیگر ارگان های مرتبط از جمله شهرداری ها، مسکن و شهرسازی، استاندارد و ... می تواند کاهنده این چالش ها باشد.
– چشم انداز مهندسی در سالهای آتی را چگونه می بینید؟
– با توجه به افزایش خروجی دانشگاه های کشور، در رشته های مختلف علی الخصوص در رشته های مرتبط با این مجموعه، بایستی از آن به عنوان یک فرصت استفاده نمود و مانند کلیه مشاغل مطرح در جامعه ساخت و ساز را منحصرا در اختیار این قشر قرار داد تا اهداف قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان را بتوان محقق ساخت و با توجه به نشانه های موجود در این زمینه می توان به تحقق آن امیدوار بود.
– به مناسبت بزرگداشت روز مهندس شاهد برگزاری جشن باشکوه و بزرگی از سوی سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر بودیم، هدف از برگزاری جشن روز مهندسی چیست؟
– هدف از برگزاری همایش روز مهندسی تجلیل از مقام مهندس بمناسبت روز مهندس و جمع کردن خانواده مهندسی استان در یک روز در کنار هم و ارج نهادن به زحمات این قشر از جامعه بود.
– در این جشن استقبال مهندسین را چگونه دیدید؟
– استقبال همکاران بسیار خوب و امیدبخش بود بطوریکه این امر نشان دهنده فراگیر شدن شرکت عزیزان مهندس و خانواده های آنان در حرکت سازمان نظام مهندسی ساختمان استان و پذیرش مجموعه از سوی آنان است.
– به مناسبت این روز بزرگ، چه توصیه ای به مهندسین این استان دارید؟
– نمی توان این را به عنوان توصیه دانست زیرا همه ی ما از یک جنس هستیم ولی با توجه به مسئولیتی که در کنار مهندسین دارم وظیفه ی خودمان در مقابل مردم را خاطرنشان می کنم که اولین و مهمترین موردی که همیشه بایستی در نظر داشته باشیم خدمت رسانی به مردم و انجام آن بنحو احسن است که خود باعث کاهش مسئولیت های ما در آینده نیز خواهد شد.

خوش شانسی مسافران بوشهری،

خالی شدن باد تایر هواپیما، مسافران بوشهری را وحشت زده کرد

پرواز شماره ۴۰۸ شرکت هواپیمایی ایران‌ایر در فرودگاه بوشهر، در حال سرعت گفتن است و تنها چند ثانیه تا برخاستن از زمین، مانده است که ترمز ناگهانی خلبان، مسافران را به جلو پرت می کند. سراسیمگی و وحشت فضای هواپیما را فرا گرفته است. هواپیما در انتهای باند فرودگاه ایستاده است و اگر تنها چند ثانیه دیرتر، خلبان تصمیم به توقف گرفته بود، معلوم نبود که چه سرنوشت تلخی در انتظار مسافران بوشهری بود.
هواپیمای ایرباس A۳۰۰ شرکت هواپیمایی ایران ایر که قرار بود، ساعت ۸:۴۰ دقیقه صبح، از بوشهر به سمت تهران حرکت کند، در هنگام برخاستن از زمین، بناگاه ترمز کرد و از حرکت بازایستاد. این در حالی بود که موتورهای هواپیما با بیشترین قدرت ممکن در حال کار بودند و شتاب هواپیما به اندازه‌ای رسیده بود که بر اثر این ترمز شدید، اغلب لاستیک‌های هواپیما ترکید.
یکی از مسافران این پرواز در این باره به خبرنگار «تابناک» می‌گوید: هواپیما مسیر بسیاری از باند پرواز را پشت سر گذاشته بود و سرعت خیلی زیادی داشت؛ بنابراین، هنگامی که خلبان ترمز کرد، اغلب لاستیک‌های هواپیما ترکید و دقایقی پس از آن بود که خلبان اعلام کرد به دلیل از کار افتادن سیستم ناوبری هواپیما، مجبور به متوقف کردن آن شده است.
وی افزود: هواپیما با همین وضعیت به محل پیاده کردن مسافران برگشت و مسافران به سالن فرودگاه منتقل شدند، در حالی که بیشتر آنان ترسیده و از وضع پیش آمده ناراضی بودند.
پس از بازگشت مسافران به سالن و پس از اطمینان از لغو پرواز، برخی بلیت‌هایشان را پس دادند و برخی نیز در محوطه فرودگاه حضور یافتند تا با پرواز بعدی رهسپار تهران شوند.

ایران ایر: اشکال در سیستم‌های ناوبری هواپیما

در پی انتشار این خبر، روابط عمومی شرکت ایران ایر



در توضیحاتی اظهار داشت: «خلبان هواپیمای مسیر بوشهر – تهران در زمان برخاستن هواپیما از باند، متوجه مشکل در یکی از سیستم‌های ناوبری هواپیما شده که با تصمیم گیری به موقع و هوشمندانه، هواپیما را در باند متوقف می‌نماید. به طور معمول در چنین مواقعی آسیب به لاستیک هواپیما وارد می‌شود که این پرواز نیز از این قاعده مستثنی نبوده است.»

رئیس دفتر هواپیمایی مرکز بوشهر: لاستیک هواپیما نترکید؛ بادش خالی شد

رئیس دفتر هواپیمایی جمهوری اسلامی مرکز بوشهر گفت: اتفاقی که صبح امروز برای پرواز بوشهر به تهران اتفاق افتاد، ترکیدگی لاستیک نبوده بلکه به دلیل خالی شدن باد لاستیک هواپیما پرواز انجام نشده است.
احمد ماحوزی در گفت‌وگو با فارس در بوشهر اظهار داشت: پرواز شماره ۴۰۸ هواپیمای جمهوری اسلامی قرار بود صبح امروز از بوشهر به تهران پرواز کند که به دلیل نقص فنی در لاستیک‌های هواپیما این پرواز انجام نشد.
وی تصریح کرد: زمانی که هواپیما قصد بلند شدن از باند فرودگاه را دارد نیاز به سرعت زیادی دارد و در حادثه صبح امروز نیز در زمان پرواز حرارتی که از ترمزها به لاستیک هواپیما رسیده موجب خالی لاستیک هواپیما شده است.
ماحوزی اضافه کرد: در این زمان سیستم هواپیما به خلبان هشدار می‌دهد که پرواز نکند و خلبان نیز که از خلبانان ماهر بود هواپیما را در زمین نگه داشته و سریعا به پارکینگ می‌آورد.
رئیس دفتر هواپیمایی جمهوری اسلامی مرکز بوشهر ادامه داد: در زمان حرکت هواپیما حدود ۱۰۰کیلومتر سرعت داشته و پس از خالی شدن باد لاستیک خلبان هواپیما را کنترل می‌کند و هیچ اتفاق خاصی هم برای مسافران نمی‌افتد و خلبان اطلاعات لازم را درباره این حادثه به مسافران می‌دهد.
ماحوزی با بیان اینکه هواپیما همچنان در فرودگاه بوشهر است، گفت: درحالی که برخی عنوان کرده بودند که لاستیک هواپیما ترکیده، اما ترکیدگی لاستیک هواپیما به هیچ عنوان صحت ندارد.

با تائید صلاحیت ۵۵ درصد
اسامی ۲۵ نفر از نامزدهای انتخابات در استان بوشهر

از ۴۵ کاندیدای ثبت‌نام شده در استان بوشهر تعداد ۲۵ نفر تائید صلاحیت شدند.
به گزارش خبرنگار مهر، استان بوشهر از چهار حوزه انتخابیه تشکیل شده است که تعداد ۴۵ نفر برای گرفتن این چهار کرسی مجلس ثبت نام کردند و صلاحیت ۲۵ نفر تائید شد.

حوزه انتخابیه بوشهر، گناوه و دیلم

در حوزه انتخابیه شهرستان‌های بوشهر ، گناوه و دیلم تعداد ۱۶ نامزد برای گرفتن یک کرسی از مجلس شورای اسلامی ثبت‌نام کردند که شش نفر مورد تائید صلاحیت نهایی قرار گرفتند.
اسامی کاندیداهای تائید صلاحیت شده عبارت است از:
۱– سید کریم موسوی
۲– حجت الاسلام عبدالحمید خدری
۳– علی دریمی
۴ – عبدالکریم جمیری
۵– سید حسن بصری
۶– غلامعلی میگلی نژاد

حوزه انتخابیه شهرستان دشتستان

شهرستان دشتستان تنها شهرستانی است که به تنهایی یک کرسی مجلس را به خود اختصاص داده است. در این دوره از انتخابات ۱۱ نفر برای حضور در انتخابات شهرستان دشتستان ثبت‌نام کردند.
در این حوزه شش نفر مورد تائید صلاحیت نهائی قرار گرفتند. این افراد عبارتند از:
۱– ایوب پاپری مقدم فرد
۲– جوانشیر کدخداپور
۳– علی کرم علیپور
۴– غلامرضا اسکندری
۵– فتح الله باقری
۶– سید مهدی موسوی نژاد.

حوزه انتخابیه دشتی و تنگستان

در حوزه انتخابیه شهرستان‌های دشتی و تنگستان تعداد ۱۱ نفر برای حضور در مجلس ثبت‌نام کرده بودند که شش نفر مورد تائید صلاحیت نهائی قرار گرفتند. اسامی افراد تائید صلاحیت‌شده عبارت است از:
۱– غلامحسین زارعی
۲– ماشاالله قطب الدین
۳– سید عبدالحمید لطیفی حسینی
۴– سید محمد مهدی پورفاطمی
۵– غلامحسین پولادی
۶– علی حیدری
۷– عبدالصمد دولاح

حوزه انتخابیه دیر، جم، کنگان

در حوزه انتخابیه دیر، جم، کنگان تعداد هفت نفر برای حضور در مجلس شورای اسلامی ثبت‌نام کردند که از این تعداد شش نفر مورد تائید صلاحیت نهایی قرار گرفتند.کاندیداهای تائید صلاحیت شده در این حوزه عبارتند از:
۱– موسی احمدی
۲– احمد حیدری
۳– عسکر جلالیان
۴– قاسم علی بازآی
۵– سکینه الماسی
۶– قیصر صالحی

صفایی بوشهری: کاندیداها از وعده‌های خارج از اختیارات بپرهیزند

نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه بوشهر گفت: کاندیداها از دادن وعده‌های خارج ازوظایف قانونی و حوزه اختیارات خود بپرهیزند. آیت الله غلامعلی صفایی بوشهری چهارشنبه درنشست با شماری از دست‌اندرکاران وکاندیداهای انتخاباتی افزود: کاندیداها نباید بیشتر از توانمندی واقعی، خود را به مردم عرضه کنند و فقط باید قدرت خود درچارچوب قانون‌گذاری، نظارت و حمایت از مردم، انقلاب و ولایت بیان کنند.
وی اظهارداشت: درانتخابات شخصیت سیاسی افراد مشخص می‌شود و نوع عملکرد کاندیداها، خود تبلیغ مناسبی برای آنان است. نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه بوشهر گفت: تقوا و مراعات اخلاق انتخاباتی کاندیداها در تبلیغات و مواجهه مناسب با رقباء نشان دهنده کارآمدی آنان است.
صفایی بوشهری اضافه کرد: سکوت در برابر رفتارهای نامناسب احتمالی کاندیداهای رقیب بیان کننده اخلاق بالای انتخاباتی است. وی بیان کرد: این امر در استان بوشهر بخوبی مراعات شده که در کشور و در بین استان‌های دیگر زبانزد است.
امام جمعه بوشهر با تاکید بر مراعات تقوای انتخاباتی اظهارداشت: اگر دراین عرصه دراین استان کوچکترین کوتاهی شود به اعتماد مردم صدمه وارد خواهد شد./منبع:ایرنا

شنبدی: ۶۰۰ هزار بوشهری میتوانند رای دهند

رییس ستاد انتخابات استان بوشهر گفت: تعرفه های اخذ رای انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی دراختیار فرمانداری های ۹ گانه استان قرار گرفت. محمد حسن شنبدی در گفت وگو با ایرنا افزود: از جمعیت یک میلیون و ۱۲ هزار نفری استان بوشهر بیش از ۶۰۰ هزار نفر واجد شرایط رای هستند که تعرفه اخذ رای نیز به اندازه کافی توزیع شده است.
شنبدی افزود: از چهارم اسفندماه تا ساعت هشت صبح روز یازدهم به مدت یک هفته نیز مدت زمان تعیین شده برای تبلیغات داوطلبان است. انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی همزمان با سراسر کشور ۱۲ اسفندماه در ۶۵۰ شعبه اخذ رای استان بوشهر آغاز خواهد شد.

بحرانی: نقد صحیح رسانه‌ها برای پیشگیری از جرم یک ضرورت است



حیدر بحرانی در نشست هم‌اندیشی دستگاه قضا با رسانه‌ها اظهار داشت: کلید رسانه‌ها راهگشایی برای یک جامعه و یک طیف است و می‌توانند طیفی را به سمت صواب و یا راه ناصواب سوق دهند.
وی افزود: فضای سایبری در پیشگیری از جرم خیلی می‌تواند نقش داشته باشد البته رسانه‌ها باید تنها به خبر اکتفا نکرده و علت حوادث را ریشه‌یابی کنند.
رئیس کل دادگستری استان بوشهر تصریح کرد: با توجه به استقبال از فضای رسانه‌های دیجیتال استان بوشهر، این رسانه‌ها می‌توانند برای افراد جامعه به ویژه قشر جوان محور باشند.
بحرانی گفت: ما بنا به تعهداتی که در دستگاه‌های حاکمیتی داریم باید شیوه‌ای را دنبال کنیم که عملکرد منفی رسانه‌های مجازی را خنثی کنیم.
وی تاکید کرد: وقتی مجوزی برای فعالیت رسانه‌ای دریافت می‌شود باید در قبال جوانان احساس مسئولیت کنیم.
رئیس کل دادگستری استان بوشهر یادآور شد: نقد صحیح از سوی رسانه‌ها در کنار ارائه راهکارها برای پیشگیری از جرم یک ضرورت است.
بحرانی بیان کرد: به عنوان یک تکلیف اخلاقی موظفیم شیوه‌هایی را دنبال کنیم که ضدیتی با نظام نداشته باشد و نقدی انجام دهیم که به نظام کمک کند.

نجات چهار شهروند گرفتار شده در ارتفاعات عسلویه

جانشین HSE سازمان منطقه ویژه پارس از نجات چهار شهروند گرفتار شده در ارتفاعات عسلویه خبر داد.
به گزارش خبرنگار مهر، مسعود بوستانی در رابطه با وضعیت افراد گرفتار شده در ارتفاعات عسلویه اظهار داشت: چهار نفر از اهالی بیدخون در ارتفاعات عسلویه گرفتار شده بودند که با اقدام به موقع آتش‌نشانان منطقه ویژه پارس نجات یافتند.
وی ادامه داد: این افراد به علت شرایط نامناسب جوی و آشنا نبودن با مسیر عبور از گردنه‌های پر خطر ارتفاعات کوه بنو گرفتار شدند و پس از درخواست کمک از سوی آنها ماموران آتش‌نشانی منطقه ویژه پارس برای نجات آنها اعزام شدند.
جانشین HSE سازمان منطقه ویژه پارس ادامه داد: مرکز کنترل پیام آتش نشانی سازمان منطقه ویژه پارس پیام‌هایی را مبنی بر گرفتار شدن چهار نفر از اهالی بیدخون در ارتفاعات کوه بنو عسلویه دریافت کرد و با اعزام به موقع به آن منطقه موفق شدند آنها را نجات دهند.
وی افزود: ماموران با همراهی و کمک افراد بومی آشنا به منطقه، پس از طی بیش از پنج ساعت مسیر کوهستانی در نیمه شب به وسیله تجهیزات و امکانات امداد و نجات خود توانستند به محل حادثه برسند و حادثه دیدگان را به پایین کوه هدایت کنند.
بوستانی افزود: نجات‌یافتگان این حادثه پس از اطعام، به منظور مداوا به بهداری منطقه ویژه اعزام شدند و پس از تائید پزشکان مبنی بر سلامت آنها، حادثه‌دیدگان به محل سکونت خود اعزام شدند. وی در پایان از کارکنان واحد آتش نشانی سازمان منطقه ویژه پارس ماموران تقدیر و تشکر کرد و گفت: آتش‌نشانی منطقه ویژه پارس آماده انجام عملیات، ارائه خدمات و مقابله با خطرات احتمالی هستند و از هیچ کوششی در این راه دریغ نخواهند کرد.

دکتر حیدری: ۶۰ درصد هزینه های درمانی از جیب بوشهری هاست

رییس دانشگاه علوم پزشکی بوشهر گفت: سال آینده طرح پزشک خانواده و نظام ارجاع در همه شهرهای استان بوشهربرای همه اقشار اجرایی خواهد شد.
دکتر غلامرضا حیدری در حاشیه دومین روزهمایش سراسری مسوولان بیماری های خاص دانشگاه های علوم پزشکی سراسر کشور اظهارداشت: به دنبال شناسایی بیماران مزمن (بیماران خاص) وبا توجه به توزیع پزشکان بخش خصوصی درسطح شهرها، امیدواریم بتوانیم به نتیجه مطلوب با طرح پزشک خانواده برای این دسته از بیماران نیز دست پیدا کنیم.
وی اضافه کرد: سطح دوم این طرح درزمینه پزشکان متخصص دربخش های خصوصی و دولتی در استان فعال خواهد شد و فرانشیز پرداختی توسط بیماران خاص و دیگر بیماران در این برنامه حذف، هزینه های درمانی و ریالی که در حال حاضر مردم ازجیب خود پرداخت می کنند از سبد هزینه های زندگیشان برداشته خواهد شد.
حیدری افزود: هم اکنون مردم استان بوشهر حدود ۶۰ درصد هزینه های درمان خود را از جیب خودشان پرداخت می کنند و با اجرایی کردن طرح پزشک خانواده به دنبال کاهش آن به ۳۰ درصد هستیم.
وی ادامه داد: به دنبال بهره مندی و افزایش کیفیت درمان برای بیماران خاص این استان با راه اندازی مراکز دیالیز جدید در بیمارستان جدید بوشهر، تجهیز بیمارستان اهرم در این زمینه و افزایش تخت در سطح استان هستیم .
حیدری گفت: هم اکنون ۳۳۰ بیمار کلیوی، ۳۶۸بیمار تالاسمی، ۵۷ بیمارهموفیلی ، ۲۴۹بیمار ام اس، ۴۱۸ بیمارسرطانی و ۱۱ بیمار PKU جز گروه بیماران خاص در استان بوشهروجود دارند که امیدواریم با تبیین راه کارهای مناسب بتوانیم نیاز این بیماران را در استان بوشهر تامین کنیم./منبع: ایرنا

دوره آموزش مقدماتی فیلمسازی در حوزه هنری بوشهر

واحد فیلم حوزه هنری بوشهر جهت بالا بردن سطح علمی و عملی علاقمندان به فیلمسازی یک دوره آموزش مقدماتی فیلمسازی را در سال ۹۱ ۱۳ برگزار خواهد کرد. این دوره آموزشی شامل کلاس های فیلمنامه نویسی ، تصویربرداری، کارگردانی و تدوین می باشد و با تدریس اساتید برجسته سینما در خردادماه ۱۳۹۱ برگزار خواهد شد. علاقمندان به حضور در این دوره می توانند از هم اکنون با مراجعه به واحد فیلم حوزه هنری بوشهر واقع در خیابان رئیسعلی دلواری ثبت نام نمایند . شماره تلفن های ۲۵۲۹۰۵۱ و ۲۵۲۴۰۸۳ پاسخگوی علاقمندان می باشد.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر:

۵۰ اثر فرهنگی در استان بوشهر چاپ شد

مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر گفت: در سال جاری بیش از۳۰۰ هزار جلد کتاب در میان اقشار مختلف جامعه و تشکل‌های فرهنگی ،مدارس و... استان اهداء شده است.
به گزارش خبرگزاری فارس از بوشهر، یونس محمدی در نشستی خبری اظهار داشت: بخش فرهنگی یکی از حساس‌ترین و کلیدی‌ترین حوزه‌های حیات اجتماعی است که باورها، طرز تلقی‌ها، انگاره‌ها، ارزش، هنجارها و.. در قالب کلیتی به نام فرهنگ شکل گرفته و همواره در زندگی اجتماعی جامعه سایه می گستراند و می‌توان ادعا کرد که گرچه امور اقتصادی، سیاسی و سایر زمینه‌ها بسیار حیاتی و ضروری است اما آنچه قلب تپنده یک جامعه پویا را تشکیل می‌دهد به واقع همان مقوله فرهنگ است که هرگاه جامعه‌ای به درجه‌ای از غنای فرهنگی برسد خواهد توانست نقیصه‌هایی مانند مشکلات اقتصادی و اجتماعی سیاسی خود را نیز رفع کند.
وی افزود: با عنایت به اهمیت فرهنگ و فعالیت‌های فرهنگی در استان بوشهر به جا و مناسب دیدیم که گزارشی از روند امور فرهنگی استان در یک سال اخیر که از سوی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام و اجرا شده است، را به اطلاع برسانیم.
محمدی در ارتباط با برنامه‌ها و فعالیت‌های این اداره در سال۹۰، گفت: در این مدت بیش از ۳۰۰ هزار جلد کتاب در میان اقشار مختلف جامعه و تشکل‌های فرهنگی ،مدارس و... استان اهداء شده است.
این مقام مسئول ادامه داد: همچنین در بخش سمعی بصری موفق به بررسی بیش از ۳۲ هزار لوح فشرده غیرمجاز در راستای مبارزه با قاچاق محصولات فرهنگی شدیم.
وی ادامه داد: برگزاری ششمین جشنواره ملی مشاعره رضوی، هفتمین نمایشگاه کتاب بوشهر با۳۰۰ هزار جلد و بیش از ۱۲ برنامه جانبی، جشنواره تئاتر مناطق، یازدهمین جشنواره منطقه‌ای سینمای جوان، آغاز عملیات بزرگترین پروژه فرهنگی هنری استان(مجتمع فرهنگی هنری)، جشنواره استانی هنرهای تجسمی، جشنواره استانی تئاتر طنز، جشنواره استانی شعر غدیر، جشنواره استانی تئاتر کوتاه، آغاز عملیات پروژه‌های پلاتو مجتمع‌های فرهنگی هنری شهرستان‌ها از مهم‌ترین برنامه‌های فرهنگی هنری استان در سال ۹۰ است.
وی افزود: برپایی بیش از ۷۰ نمایشگاه هنرهای تجسمی، ۲۰ نمایشگاه کتاب، ۱۰۰ مسابقه فرهنگی هنری، ۳۰ کلاس و دوره آموزشی در بخش‌های مختلف، ۶۰۰ برنامه فرهنگی هنری در قالب‌های نشست، همایش، شب شعر، جشنواره، اردو، جشن و... گزیده‌ای از فعالیت های این اداره کل است.

۵۰ اثر فرهنگی در استان بوشهر چاپ شد

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر گفت: در سال جاری بیش از ۳۰ اثر در شهر بوشهر و در مجموع بیش از ۵۰ اثر در سطح استان بوشهر به چاپ رسیده است.
یونس محمدی افزود: تلاش‌های خوبی در این عرصه در راستای حمایت از قشر نویسنده و صاحب اثر صورت گرفت که از نتایج ان می‌توان به چاپ بیش از ۳۰ اثر در بوشهر و در مجموع بیش از ۵۰ اثر در سطح استان اشاره کرد.
وی چاپ مجموعه سه جلدی شعر شاعران استان بوشهر را از جمله فعالیت‌ها و حمایت‌های آن اداره کل از شاعران و نویسندگان برتر استان دانست.
محمدی همچنین به برگزاری آزمون‌های قرآنی بصائر در سال۹۰ اشاره داشت و تشریح کرد: این آزمون تاکنون بین کارکنان ارشاد در سطح استان، اعضا موسسات قرآنی استان و خانواده کارکنان برگزار شده است و در ادامه این مسیر در



اردیبهشت سال۹۱ بین هنرمندان برگزار می‌شود.
وی در ارتباط با کانون‌های فرهنگی هنری فعال استان گفت: هم اکنون بیش از ۳۰۰ کانون فرهنگی هنری مساجددر استان فعالیت دارند و ۵ هزار برنامه فرهنگی و هنری متعددی در حوزه مسجد داشتیم که این رقم در مقایسه با سال‌های گذشته رشد خوبی داشته است.
محمدی شورای فرهنگ عمومی را وزنه‌ای موثر در توسعه ترویج و گسترش فرهنگ برشمرد و در این رابطه یادآور شد: در سال جاری ۱۰ جلسه شورا برگزار شد که از این تعداد یکی از جلسات با حضور وزیر بود که برکات خوبی را به همراه داشت.
محمدی یادآور شد: بیش از سه هزار و ۵۰۰ آگهی ثبتی از طرف امور آگهی‌های این اداره در نشریات و رسانه‌های محلی درج شده که از این تعداد سهم شهرستان بوشهر بیش از دو هزار و ۵۰۰ آگهی بوده است. مدیر کل فرهنگ فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر در ارتباط با برنامه‌های نوروزی گفت: ایستگاه‌های فرهنگی و هنری در ایام نوروز شامل ایجاد غرفه‌ها و ایستگاه‌های صلواتی، ایستگاه نقاشی کودکان،ایستگاه خوشنویسی، نمایشگاه آثار هنرمندان و نمایشگاه کتاب و توزیع بروشور و سی دی و کتاب رایگان از فعالیت‌های نوروزی در سطح استان است.

وعده ایجاد مجتمع آموزشی و تحقیقاتی هوا فضا در بوشهر

با موافقت اولیه معاون علمی و فناوری ریاست جمهوری و ستاد توسعه فناوری هوا فضا، مجتمع آموزشی، تحقیقاتی و پژوهشی هوا فضا در بوشهر ایجاد می‌شود.
به گزارش روابط عمومی استانداری بوشهر، استاندار بوشهر در دیدار با دکتر ابراهیمی از اساتید دانشگاه‌های کشور اظهار داشت: موضوع ایجاد مجتمع آموزشی تحقیقاتی هوا فضا در بوشهر بررسی و مورد تصویب قرار گرفته است.
جهانبخش افزود: با موافقت معاون علمی و فناوری ریاست جمهوری پیگیری عملیات اجرایی این مجتمع در استان بوشهر در دستور کار قرار گرفت.
وی با اشاره به روند رو به رشد فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی در استان بوشهر گفت: ایجاد این مجتمع می‌تواند زمینه دیگر فعالیت‌های علمی و پژوهشی به ویژه در حوزه هوا فضا را فراهم کند.

نگاهی به کتاب «ریشه شناسی واژگانِ منتخبِ گویش بوشهری» (۲)

از مجموعه «دانشنامه‌ی استان بوشهر » نوشته سید عبدالعزیز بلادی

پاپک ساسان‌پور

اخیراً مجموعه ای تحت عنوان کلی و عمومیِ «دانشنامه‌ی استان بوشهر » با عنوان «ریشه شناسی واژگانِ منتخبِ گویش بوشهری» (۳۸۸ صفحه) با قلم سید عبدالعزیز بلادی (فوق لیسانس در رشته‌ی فرهنگ وزبان های باستانی) به بازار کتاب عرضه شده است. در شماره قبل قسمت اول نقدی بر این کتاب را خواندید. در این شماره قسمت دوم و پایانی این نقد را می خوانید:

در شماره قبل گفتیم که نویسنده محترم «ریشه شناسی واژگانِ منتخبِ گویش بوشهری» ، جمعاً بیست اثر از شانزده نویسنده و شاعر بومی: از جلال آل احمد (یک کتاب: دّر یتیم خلیج فارس)ـ از احمدی ریشهری ۲ کتاب ـ الله کرم لیراوی ۲ کتاب ـ محسن شریفیان ۲ کتاب ـ حیدر عرفان ۲کتاب ، و از مابقی؛ از هر کدام، یک کتاب دست آویز خود ساخته و آن چه بیش‌تر مقصودش بوده درباره آنان بگوید، که به دو نمونه آن اشاره نمودیم و اینک ادامه سخن:

۳ـ محسن شریفیان: اهل ماتم/ در باب کتاب این نویسده جوان و پر تلاش هم نوشته اند: متاسفانه فاقد هر گونه فصل بندی برای موضوع های مطرح شده می باشد وبه همین دلیل امکان دسترسی آسان به مطالب آن وجود ندارد (ص۴۷)/ راستی، کتاب شریفیان مگر دارای چند فصل زیاد بوده که امکان دسترسی آسان به مطالب آن وجود ندارد؟ اگر با دیده‌ی بلادی؛ نبودِ فصل‌بندی کتاب، مشکلی برای خواننده ایجاد می کند، لطفاً به ترتیب نامنظم و در هم و بر هم حروف الفبایی واژگان کتاب خود (فصل دوم) بنگرد و خدا وکیلی انصاف بدهد کدام یک از دو کتاب شریفیان و بلادی، خواننده و پژوهنده را از نگاه به هر کدام بیزار می کند.

۴ـ حیدر عرفان: کارنامه دشتستان/ در این جا هم گفته‌اند: در صفحه های ۱۷تا۱۹ کتاب، عرفان نام روستاهای دشتستان را به تعداد ۲۸ مورد ذکر کرده است که ناقص است و بسیاری از روستاهای دشتستان از قلم افتاده اند (ص ۴۹)/ اگر جناب بلادی دریافته‌اند که عرفان بسیاری از روستاهای دشتستان را از قلم انداخته اند، برای اثبات این مدعا آیا لازم نبودِ نام آن تعداد روستا های فراموش شده را حتماً در نوشتار خود بیاورد!؟ هم چنین، در باب نخلستان حیدر عرفان نوشته اند: شیوه نگارش اینِ کتاب آکنده از نوعی تعصب خاص می باشد، مثلاً درخت خرما را خرما بن؛ و شگفت تر از آن، خود خرما را «خرما میوه» نامیده اند (ص۵۱) / من در باب این گمانه زنی عرفان که خرما را «خرما میوه » نام داده اند، گفته‌ی او را «من در آوردی» دانسته؛ و سخن بلادی را به حق می دانم اما درباره ی «خرما بن» نه ؛ زیرا در این که گفته است «خرما بن» نه در فارسی معیار و نه در گویش های محلی استان بوشهر رایج اند »، این ایراد نا به جای بلادی را بر خطا دانسته و نگاه ایشان را به فرهنگ فارسی معین، ج۱، ص۱۴۱۳ جلب می کنم.

۵ـ سید جعفر حمیدی: فرهنگ نامه / مولفِ «کتاب ریشه شناسی واژگان منتخب گویش بوشهری» در ص۵۲ تا ۵۷ کتاب خود، علاوه بر ذکر چند مورد از کاستی‌های آوانگاری فرهنگ نامه حمیدی، در هفده مورد خاص (به نظر خود) به اشتباهات کتاب ایشان اشاره کرده، و «متاسفانه» خود نیز چند گفته‌ی درست حمیدی در میان همان هفده مورد، را نادرست انگاشته و نوشته اند: در صفحه ۶۷ فرهنگنامه‌ی حمیدی واژه اتالو oTTalu (با تشدید«ت») را به شکل اتالو oTalu (بدون تشدید) آوانگاری نموده که می بایست تشدید موجود بر روی همخوان (ت) را رعایت نمود» ص۵۴ / هم‌چنین افزوده اند واژه اسفناج که دکتر حمیدی به شکل «اسپناج» نوشته وآن را یک واژه محلی قلمداد کرده و گفته است این واژه رفته به زبان انگلیسی و spinăch شده است، چنین نیست... ، و بعید نیست که این واژه جزو مجموعه واژگان مشترک انگلیسی فارسی باشد مانند مادر و برادر ... / هم چنین نوشته اند : حمیدی واژه محلی اشم ošm را به شکل اشن ošn آورده ، که غلط است و شکل محلی و شکل پهلوی آن نیز oš است.

من در این جا هم ، قصد دفاع از کاستی های کتاب حمیدی را ندارم، اما این که بلادی گفته است اتالو را حتماً باید با تشدید روی همخوان (ت) نوشت ، می گویم هیچ گونه ایرادی بر آن وارد نیست (یعنی بر نوشته‌ی حمیدی)، بدین دلیل که تمام واژگان دخیل در زبان فارسی (واژگان ورودی بیگانه)، به جز پاره زیادی از لغات عربی، با همان تلفظ اصلی ادا نمی کنند. بنابراین اتالوی با تشدید، یا بدون تشدید (حرف ت) هر دو، درست است. هم چنین، آنچه در باب اسفناج و اسپناج؛ و رّد گفته‌ی حمیدی آورده‌اند، ما می گویم نیمی از اظهار نظر حمیدی درست بوده، و تمام گفته بلادی نادرست است؛ زیرا اسفناجesfanăj = اسفاناخ= اسپاناخ = اسفاناج = اسپناخ؛ اصلیت و شناسنامه یونانی spinakion دارد. (فرهنگ فارسی معین ، ج۱، ص۲۶۸)

و این که گفته اند حمیدی واژه محلی «اشم » را به غلط «اشن» نوشته است ، این اشتباه دیگر بلادی، نظیر همان برداشت نادرستیِ است که درباره‌ی تلفظ اتالو کرده است. ضمناً به منظور دفاع از تلفظ صحیح واژگان ، و نه از حمیدی، برای فضولی هم که شده برای نمونه؛ می گویم: پس جناب بلادی! خود چرا در تلفظ دیّر (بندر دیر dayyer) در ص۱۸ و در تمام صفحات کتاب، دقت کافی و شاینده را نکرده که روی همخوان (ی) تشدید بگذارند وآن را به صورت dayer ننویسند ؟ ودر همان جا (ص۱۸) هم، چرا چاه تلخ را (شاه تل) نوشته اند.

چند کلمه هم درباره‌ی نثر کتاب و موردهای دیگر بگوییم .

۱ـ کتاب آقای بلادی پُر است از لغزش های املایی، انشایی، نگارشی و گفتاری. هم چنین، دراز گویی بی مورد و پرحرفی بسیار دارد . نویسنده، گاه که خواسته اند در ریشه یابی واژگان، موجز بنویسند، ابتر نوشته اند. گاهی خواسته اند ادبی وار بنویسند و گل کاشته اند. تکرار مطالب در جای جای کتاب به چشم می خورد و این به سبب آن بوده که مؤلف زحمت باز نگری و باز خوانی پس از حروف چینی (تایپ)را به خود نداده‌اند. ریخت اصلی و تلفظ درست شماری از واژه ها نادرست بوده و نویسنده دقت کافی بدان سان که لازمه کار او بوده (آن هم در حیطه زبان شناختی)، را از خودشان نداده است. دانش نویسنده از آهنگِ گویش ومعنای تعداد چشم گیری از واژگان ـ تازه در گستره جغرافیایی شهر زادگاه خود ـ کم تر از آن بوده که بداند چه واژه ای و با چه گویشی در چهار محله مرکزی و قدیمی شهر معمول بوده، وچه مواردی در نواحی بیرون از چهار محله مرکزی شهر.

اینک برای نمونه به هفت مورد زیر ، که تا کم تر از نیم سده پیش در نواحی بیرونی شهر تداول عام داشت و در زبان شهری ها چندان معمول نبود اشاره می کنم.

پیزا کردن ـ خاگ ـ خویه گیرک ـ کشکلا ـ لوکه ـ میلاک ـ وهال.

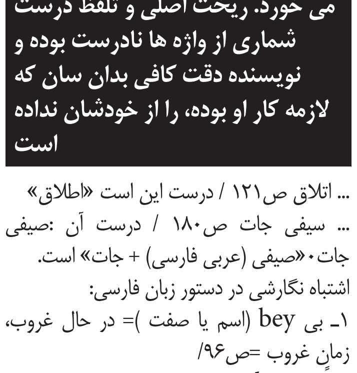
۲ـ اشتباهات املایی کتاب در موارد زیر به دیده می آید

... سمک ایار ص۲۱ / درست این است سمک عیار

... اذب /آذب ص۷۰ / نادرست، درست عَزَب

... آلی ص۷۱/ لازم بود این لغت عربی را به شکل عالی بنویسد . آلی = عالی ، محرف و مقلوب علن = علنی؛ علن عربی + ی فارسی این مورد در سنگستان ریشهری هم به غلط به صورت «آلی» ثبت شده و احتمال بسیار دارد اشتباه بلادی ناشی از همان اشتباه ریشهری باشد؛ زیرا سنگستان یکی از مآخذ مورد استفاده بلادی نیز بوده است.

... ابّر ص۷۱ / این را هم لازم بود به صورت عبّر (با حرف ع) بنویسند، چون محرف عبور و عبور کردن است.



کتاب آقای بلادی پُر است از لغزش های املایی، انشایی، نگارشی و گفتاری. هم چنین، دراز گویی بی مورد و پرحرفی بسیار دارد . نویسنده، گاه که خواسته اند در ریشه یابی واژگان، موجز بنویسند، ابتر نوشته اند. تکرار مطالب در جای جای کتاب به چشم می خورد. ریخت اصلی و تلفظ درست شماری از واژه ها نادرست بوده و نویسنده دقت کافی بدان سان که لازمه کار او بوده، را از خودشان نداده است

... اتلاق ص۱۲۱ / درست این است «اطلاق»

... سیفی جات ص۱۸۰ / درست آن :صیفی جات٠«صیفی (عربی فارسی) + جات» است.

اشتباه نگارشی در دستور زبان فارسی:

۱ـ بی bey (اسم یا صفت)= در حال غروب، زمانِ غروب =ص۹۶/

اولاً بی bey ، اسم یا صفت نیست؛ مصدر لازم است. دوم ، این که «در حال غروب و زمان غروب» یعنی چه؟ آیا نباید کلمه آفتاب به آن اضافه گردد تا مفهوم آن کامل شود؟ سوم، آن که بی را باید این گونه معنی کرد : فرو شدن آفتاب؛ هنگام غروب آفتاب.

۲ـ پف pof (اسم) = ورم ـ ص۱۱۴ / درست این است: پف اسم صوت است.

۳ـ پیرمشته (صفت)= چین و چروک گرفته، مچاله و جمع شده ـ ص۱۱۱ / پیرمشته مقلوب و محروف پژمرده است به معنی میوه پلاسیده شده ، خارگ پلاسیده شده در اثر ماندگی. هم چنین، پیرمشته صفت نیست اسم مفعول است. معنی پیرمشته = پلاسیده، خشک شده، خوشیده، بی طراوت، بی رونق، می توان در این بیت شعر فردوسی، بهتر فهم آن را کرد:

گیاهان زخشک و زتر برگزید

زپژمرده وهر چه رخشند ه دید...

۴ـ کاشکا = کاش ،ای کاش (اصوات) = کاش ، ای کاش ـص۲۲۲ / از اصوات نیست قید است.

۵ـ کل کل (صفت) پاره پاره تکه تکه ـص۲۲۹ / صفت مرکب است.

۶ـ که ـ که kah kah (اصوات) = قاه قاه ـ صدای خنده ـ۲۲۴/ از اصوات نیست. اسم است.

۷ـ ها ha (اصوات) = آری، بلی ـ ص۱۵۹ / ها از اصوات نیست ؛ قید ایجاب و تصدیق است، مقابل نه.

افزون بر این ها ،۴۳ مورد دیگر از واژگان به اصطلاح «منتخب در گویش بوشهری» و محلی مستقل (نگاه کنید به ص۱۵) که نویسنده، ریشه شناسی کرده و در کتاب گنجانیده است، فارسی معیار (یا عامیانه) بوده و هیچ تمایز گویشی و معنایی با کلام و گویش بوشهری و غیر بوشهری نیز ندارد. این است نمونه های آن :

ابان ـ آدمک ـ ارده ـ اسفند ـ باشه ـ (پرنده = باز ؛ یکی از پرندگان شکاری) ـ برزن ـ پاتیل ـ پاجوش ـ پتیاره ـ پُف ـ (په = پی = پیه) تاس ـ تشت ـ تلواسه ـ تنک ـ جَلد ـ چرم ـ چو cow خارپشت ـ خِر xer = گلو ـ خل ـ خمره ـ دری وری ـ دوالک پا ـ دوش =دوشینه ـ ریگ ـ سجاف (عربی) ـ سرخ ـ سو ـ شلّه ـ قوزک پا یا غوزک پا ـ کرم ـ کورک ـ کول = شانه وکتف ـ گُرده = پهلو ـ گِرده = نوعی نان ـ گُشنه ـ گندنا ـ لُنج ـ مَشک ـ مُف = آب بینی ـ میگو ـ ناخدا ـ هوبره (آهو بره).

پیشتر ، گفته بودیم ترتیب حروف الفبایی در ثبت واژه ها به طور کلی رعایت نشده و بسیار درهم و بر هم است وبه همین خاطر امکان دست‌رسی سریع و آسان به واژگان مورد نظر را مشکل کرده است .

این است نمونه واژگانی که در جای مناسب خود قرارِ نگرفته و خواننده را در مراجعه به هر لغت، سر در گُم می‌کند:

در ص۷۴: هل؛ قبل از آلو / ص۷۷ :آهن کره؛ قبل از اروس / ص۸۱ ـ۸۲ :اسوم؛ قبل از ارسی/ ص۸۱ :ای یل؛ قبل از اساره / ص۹۰: بهی وبعی؛ قبل از برداله / ص۹۳ بی؛ قبل از بختن /ص ۹۶ـ ۹۷: بیگ؛ قبل از بریک / ص۹۷ ـ۹۸ : بیسیار ؛ قبل از بُتُل / ص ۱۰۴: پهک؛ قبل از پخچه / ص۱۰۷ : پهک قبل از په / ص۱۰۸ :پشنگه ، بعد از پشک / ص۱۱۲ ـ۱۱۳ :پیلسوک ؛ قبل از پیاز / ص ۱۱۳ :پیاز ؛ قبل از پرگو / ص۱۳۳ :سهک ؛ قبل از سپسون / ص ۱۳۸ : سیه ؛ قبل از سهرو / ص۱۳۸: سختن ؛ بعد از سهرو / ص ۱۴۵ :چوخک ؛قبل از جلت / ص ۱۴۶ چاس قبل از چاری / ص۱۵۰ :چّنه قبل از چغل .

البته این نمونه‌ها را که آورده ایم تا صفحه‌ی ۱۵۰ کتاب می باشد. از صفحه‌ی ۱۵۰ تا ۳۰۲ (بخش واژگان) ۴۷ مورد دیگر نیز بدون ترتیب حروف الفبایی بوده و خواننده را به راستیِ آزار می دهد.

آقای بلادی: «کُربون جِدِت بیشُم ؛ کضّا بلات واوُم؛» چرا برای نوشتنِ معنای درست دروش derowš ، از فرهنگ فارسی معین کمک نگرفته ای تا خود بدین گونه :« وسیله ای نوک تیز برای سوراخ کردن »ص۱۱۴ معنا نکنید؟ با چنین تعریفی که از دروش کرده اید ، خواننده حق دارد از نویسنده کتاب بپرسد به راستی دروش همان سوزن نیست؟ آیا آن را به معنای میخ هم می توانِ گرفت؟ آیا با دروش می توان همه چیز را مثلاً گوش را هم سوراخ کرد؟ فکر می کنم وقتی خواننده محترم به این گونه تعریف ما از دروش برسد دیگر نظرش به هیچ جای دیگر نرود. معنی دروش این است: دروش derawš؛ تداول derowš افزار کفش دوزی که بدان چرم را سوراخ کنند ؛ درفش.

و نیز برای آن که نشان بدهید «تماته» واژه آلمانی است و تاکید کنید که«عیناً با همان تلفظ آلمانی در استان بوشهر استعمال داشته و تلفظ می شود» ص۱۳۰ / به جای این تاکید؛ آیا بهتر نبود دوربین نگاه خود را برای ریشه یابی پاره‌ی واژگان که در شهر بوشهر و محلّات پیرامون آن استعمال دارد و در کتاب حمیدی و ریشهری پرداخته نشده است،به کار بگیرید؟ نکند خدای نکرده به خاطر آن که حمیدی و ریشهری هر دو نوشته اند تماته واژه انگلیسی است خواسته ای ثابت کنی آن ها نادرست نوشته‌اند و آن‌چه خود می گویی درست تر است. و اگر چنین نبود، هرگز تاکید نمی‌کردی: «تماته دقیقاً دخیل از زبان آلمانی است .»

اتفاقاً پسر خاله‌ی همسایه مادر من، که به فرهنگ های دم دست نگاه کرده ، شناسنامه دو زبانه : انگلسی آن TomaTo وفرانسوی TomaTe را به من نشان داده و گفته است احتمال این‌که تماته از زبان انگلیسی دخیل در زبان فارسی بوده ؛ بسیار است ، اما از زبان آلمانی نه.

هم چنین ، چه واجب بود بنویسید «تاس» و «تشت» از واژه های محلی (بوشهری) بوده و به ویژه اظهار بدارید مربوط به دوران نوسنگی و میان سنگی می باشد و حتا معنی «سرِتاس» را هم بدون نگاه به فرهنگ‌های معتبر فارسی، و هم از برداشتی که بوشهری‌ها از «سر تاس» دارند، وارونه معنا کنید. آیا می دانید شرحی که درباره‌ی تاس و تشت ارایه داده اید چند ایراد منطقی و نوشتاریِ به خود می گیرد؟

۱ـ اولاً معنی تاس و تشت نادرست آورده اید .

۲ـ دوم آن که تاس و تشت واژه محلی بوشهری نبوده و تداول عام در فارسی معیار دارد.

۳ـ این گمانه زنی نویسنده که گفته اند «می توان حدس زد که دو واژه محلی تاس و تشت از دوران نوسنگی و میان سنگی بازمانده اند» در طبله‌ی هیچ عطاری نمی‌توان یافت.

۴ـ اگر می خواهی (در حقیقت) به اصِل معنی سرِ تاس یعنی سری که موهای آن کاملاً ریخته است برسی ؛ بیست شعری از جلال الدین بلخی که او کچل بودن = تاس بودن (= قرمزی سر) سرِ مردی جولقی (پشمینه پوش) را به سان پشت تاس و تشت به مصداق گرفته است (مثنوی ، دفتر اول ، حکایت مرد بقال وروغن ریختن طوطی) در این جا به نقل می آوریم:

ناگهانی جولقی می گذشت

با سری بی مو بسان تاس و تشت .

بیش از این، شرم دارم از آن‌چه در باب ایرادهای کتاب دیده‌ام؛ به گفته بیاورم. اما یک گپِ خودمانی با آقا عزیز بلادی دارم وآن این است؛ انشاء الله آن گاه که خواست این پایانامه فعلی خود را برای تز دکترا ـ هم چنان که دیگران هم این کار را به آسانی صورت داده اند ـ در کار بگیرد، هیچ اجباری نیست از آن‌چه دیگران ناآگاهانه در گفته آورده اند ، او، ایرادهای کتاب آنان را یکان یکان بر شمارد و در مقدمه کتاب خود بگنجاند.

فراموش نکنیم این کار در صورتی شایسته است که به حالت نقد گونه در هفته نامه و ماه نامه و... آورده شود. هم‌چنین اگر پژوهشگر راستین می‌خواهد یک مقوله علمی یا زبان شناختی را ارایه دهد، او باید راه اصلی خود را در پیش بگیرد و برای نشان دادن نادرستی موضوعی که دیگران به آن پرداخته‌اند می‌تواند با دلایل مستند آن را به گونه‌ای بنمایاند که جای هیچ ایرادی بر گفته های خود او نیز نباشد. اگر بخواهیم مثالی در این باره بیاوریم در نگاه به همان «دستگاه آوانگاری استاندارد و علمی امروزی» [شما] و تاسف شما بر دقیق نبودن وفاقد اعتبار بودن علائم صوت نگاری همان کسانی است که در مقدمه کتابِ خود بر کار و گفته‌ی آنان خرده گرفته‌اید. ضمناً این را باید به دیده داشت که علائم صوت‌نگاری یا دستگاه آوانگاری دیروزی و امروزی، علائم قرار دادی است و اگر چه معقول است اما به طور کامل قادر به نشان دادن نوای صوتی دقیق همه‌ی واک‌ها نیست و این بدان دلیل است که زبان هر قوم و ملتی در یک قالب خاص زبانی ریخته شده و اگر چه در شکل آن قالب در آمدن، غیر ممکن نیست اما استعداد ذاتی می خواهد و پشتکاریِ فراوان می طلبد تا بتوان آن قالب گویش را عیناً وبه همان گونه که هست در زبان خود به کار گرفت.

نگاه

گاهی نگاهت را عوض کن

مصطفی دهقانی



خیلی وقت ها بدون توجه به شرایط و بی آنکه آگاه باشیم از شرایط کنونی دوستمان و یا همکارمان، می کوشیم تا همچون همیشه با او باشیم؛ مثلا ممکن است طبق روال گذشته با او شوخی های عجیب کنیم یا حتی به دلیل آنکه کاری را که از او خواسته ایم به انجام نرسانده سرزنش کنیم. غافل از اینکه شاید او در شرایطی مناسب نباشد و ممکن است دلیل موجه و پراهمیتی برای خود داشته باشد و یا اصلا در عزای کسی باشد که همین تازگی ها از دست داده است. و این تجربه تلخی است که تازگی ها مدام تجربه اش کرده ام و تعدادی از دوستان نزدیک یا حتی همکاران از روی عدم آگاهی آن هم درست در لحظه ای که داغدار دایی از دست رفته ام بوده ام، حالم را بدتر کرده اند. جای گلایه نیست چرا که در دنیای پرارتباط امروز و به مدد فناوری های ارتباطی گوناگون باز هم گاهی خبرها آنگونه که باید به دست آنهایی که باید نمی رسد و حاصل آن می شود که من تجربه کرده ام و بی شک تنها تجربه منحصر به فرد من نخواهد بود؛ که دوستان دیگری هم چنین تجربه ای را گزارش کرده اند.

حال به جای ذکر آن تجربه های تلخ، داستانی را از استفان کاوی (از سرشناس ترین چهره های علم موفقیت) نقل می کنم که تاثیری شگرف بر من داشته است:

« صبح یک روز تعطیل در نیویورک سوار اتوبوس شدم. تقریباً یک سوم اتوبوس پر شده بود. بیشتر مردم آرام نشسته بودند و یا سرشان به چیزی گرم بود و درمجموع فضایی سرشار از آرامش و سکوتی دلپذیر برقرار بود تا اینکه مرد میانسالی با بچه‌هایش سوار اتوبوس شد و بلافاصله فضای اتوبوس تغییر کرد. بچه‌هایش داد و بیداد راه انداختند و مدام به طرف همدیگر چیز پرتاب می‌کردند. یکی از بچه‌ها با صدای بلند گریه می‌کرد و یکی دیگر روزنامه را از دست این و آن می‌کشید و خلاصه اعصاب همه‌مان توی اتوبوس خرد شده بود. اما پدرِ آن بچه‌ها که دقیقاً در صندلی جلویی من نشسته بود، اصلا به روی خودش نمی‌آورد و غرق در افکار خودش بود. بالاخره صبرم لبریز شد و زبان به اعتراض بازکردم که: «آقای محترم! بچه‌هایتان واقعاً دارند همه را آزار می‌دهند. شما نمی‌خواهید جلویشان را بگیرید؟» مرد که انگار تازه متوجه شده بود چه اتفاقی دارد می‌افتد، کمی خودش را روی صندلی جابجا کرد و گفت: بله، حق با شماست. واقعاً متاسفم. راستش ما داریم از بیمارستانی برمی‌گردیم که همسرم، مادرِ همین بچه‌ها، نیم ساعت پیش در آنجا مرده است. من واقعاً گیجم و نمی‌دانم باید به این بچه‌ها چه بگویم. نمی‌دانم که خودم باید چه کار کنم و ... و بغضش ترکید و اشکش سرازیر شد.»

استفان کاوی بلافاصله پس از نقل این خاطره می‌پرسد: « صادقانه بگویید آیا اکنون این وضعیت را به طور متفاوتی نمی‌بینید؟ چرا این طور است؟ آیا دلیلی به جز این دارد که نگرش شما نسبت به آن مرد عوض شده است؟» و خودش ادامه می‌دهد که:« راستش من خودم هم بلافاصله نگرشم عوض شد و دلسوزانه به آن مرد گفتم: واقعاً مرا ببخشید. نمی‌دانستم. آیا کمکی از دست من ساخته است؟ و....

اگر چه تا همین چند لحظه پیش ناراحت بودم که این مرد چطور می‌تواند تا این اندازه بی‌ملاحظه باشد، اما ناگهان با تغییر نگرشم همه چیز عوض شد و من از صمیم قلب می‌خواستم که هر کمکی از دستم ساخته است انجام بدهم .».

بازخوانی ترور میرزاده عشقی

بابک شاکر

تاریخ معاصر ایران همواره با جریانها وماجراهای جالب توجهی مواجه بوده است ، که به دلایل شرایط موجود در هر دوران به این ماجراها دقیق و کامل پرداخت نشده است ، گاهی بعضی از این حوداث دستخوش شرایطی از قبیل دیکتاتوری و استبداد زمان یا برخی ملاحظات شخصیتی می شود که با گذشت زمان این موارد باید بر طرف شده و مسائل مهم تاریخ معاصر مورد موشکافی دقیق قرار گیرد. این مقاله به بررسی دقیق و موشکافانه یکی از اولین ترورهای روشنفکران در تاریخ معاصرمی پردازد تا از این راه و با استعانت از منطقی "در زمانی" به همنشینی های روائی تا دوران معاصر بپردازد. میرزاده عشقی شاعر و نویسنده معاصر و مدیر روزنامه متجدد " قرن بیستم " بود. میرزاده امتیاز روزنامه اش را با امضا ء سید ضیاء الدین طباطبایی گرفته وکم کم با توجه به اوضاع جاری کشور یکی از مخالفین اصلی شرایط و حوادث سیاسی آن زمان شده بود. در نشریه خود به نقد بی پرده و حمله به سیاست بازان و وطن فروشان آن زمان می پرداخت ... "عشقی" یکی از معدود روشنفکرانی است که سعی در ثبت نام خویش در جریانات و احزاب و تشکلها نمی کرد و تنها به عنوان یک روشنفکر و روزنانه نگار به نقد می پرداخت و همواره کجروان آنزمان از قلم او در هراس بودند... در اینجا قصد روایت زندگی میرزاده وآثار او را نداریم ومقاله را در سرازیری ترور او ادامه می دهیم.

ضربه به جمهوری

داستان خصومت رضا شاه پهلوی با عشقی از زمانی آغاز شد که سیاست گردانان آن زمان پروسه جمهوریت را علم کردند و میرزاده شروع به نوشتن و نقد این پدیده در ایران و پرده برداشتن از هدف اصلی سناریستهای جمهوری پرداخت ، میرزاده در اینباره اینگونه می گوید :"اساسا هرچیزی که از اروپا به ایران فرستاده می شود ، معمولا تا انزلی یا بوشهر سالم می ماند، برای اینکه با خط آهن یا کشتی بخار حمل می شود ، اما چون که وارد ایران می شود و بر دوش قاطر گذارده می شود و صد جور تکان می خورد ... به همه چیز شباهت دارد جزء آن شکل اول ... از قراری که می بینیم همین بلا سر کلمه جمهوری نیز آمده است تا سر حد در ست آمده ولی میان راه خیلی دست وپاشکسته شده وبه همه چیزشبیه است جزء به جمهوری ...." (۱)

البته میرزاده با جمهوریت مخالفتی نداشت بلکه او می دانست این مولود نامشروع شباهتی به جمهوری نخواهد داشت و دست کارگردانان را خوانده بود ، کسانی چون "عارف قزوینی" شاعر فریب جریان را خورده بودند و به علت مخالفت و کینه با قجر از این جمهوری حمایت می کردند و برایش میتینگ می دادند.

میرزا یحیی دولت آبادی در این خصوص می گوید: "پولی به شاعر معروف تجددخواه موسیقی دان عارف قزوینی داده شده مجلس ساز و آوازی بافتخار جمهوری که انتظارش را دارند برپا کند، با اینکه ارباب ذوق و تجددخواهان بساز و آواز و اشعار عارف علاقمند هستند حسن توجهی به این مجلس نمی کنند چونکه می دانند آلودگی بیک مقصد سیاسی دارد ."



میرزاده در جریان مخالفتش با جمهوریت کم کم با نمایندگان اقلیت مجلس که مخالف این جریان بودند و از جمله روشنفکران آگاه و طراز اول آن زمان به حساب می آمدند همراه شد . کسانی که در ابتدا میرزاده نوک قلمش را به طرفشان نشانه رفته بود ، اما مخالفتشان با جریان جمهوریت باعث همراهی با او شد. نمایندگان اقلیت عبارت بودند از: " حایری زاده ، محسن زعیم ، ملک الشعرای بهار، محی الدین ، اسماعیل عراقی ، مدرس ، سید احمد بهبهانی ، میرزا شکراله قوام الدوله ، سید مصطفی بهبهانی، خطیبی ، دامغانی ، کازرونی ، سهراب زاده " (۲)

از بین نمایندگان اقلیت تنها بهار با او ارتباط نزدیکی پیدا کرد و این ارتباط سر چشمه کارهای مشترکی شد که آن دو به اتفاق و در این دوستی انجام دادند. دوم فروردین۱۳۰۳ برای رضا شاه روز بدی بود . او تا به آن روز اینگونه تحقیر نشده بود و گمان نمی کنم خاطره آن روز را تا پایان عمر خویش فراموش کرد. آن روز تلاشهای میرزاده و همفکرانش به شکلی قهری ثمر بخشید و هجوم مردم به مجلس و ظاهرات آن روز باعث شد تا جمهوریت مردود و بحث در مورد آن را ممنوع اعلام کند. این موفقیتی زود گذر بود برای جریان مخالف سناریوی جمهوریت اما عاملی شد برای بستن راه نفوذ این جریان به گمانه زنی های گردانندگان جریانات قدرت در آن زمان ، آنها به خوبی قدرت نفوذ روشنفکران و قلم به دستان را دریافتند و تلاش کردند تا این چشمه حرکت را بخشکانند ، در این میان از تمامی ابزار خود بهره جستند و تنها کسانی از این مهلکه جان سالم بدر بردند که اهل سیاست بودند و نه اهل روشنفکری.

نقش بهار در ترورمیرزاده عشقی چه بود؟

اولین بار و در جریان یک ترور سیاسی بود که در آنزمان بهار کوشید تا با بهره گیری از جریان فراگیر مطبوعات و تریبون مجلس آن را به نام خود ثبت کند،ب ا ترور واعظ قزوینی بهار اعلام کرد که قرار بوده او به جای مرحوم واعظ ترور شود و ایشان با اشتباه تروریستها جان سالم به در برده است ، اما به واقع مرحوم میرزا یحیی واعظ قزوینی که بود؟. "مرحوم میرزا یحیی واعظ قزوینی" مدیر روزنامه " نصیحت قزوین" و معلم مدرسه در قزوین بود به شهادت تاریخ او خود لیاقت ترور را بیش از بهار داشت!!! و فعالیتهای سیاسی او درست در مخالفت رضا شاه بود ، او از جمله سوسیالیتهای شناخته شده آن زمان بود که با ایجاد جریانات مخفی به مبارزه با رضا شاه می پرداخت ، نکته جالب اینکه روزنامه او محل هجوم بی امان به نظامیان و زمینداران و فئودالها بود ، میرزا یحیی دولت آبادی درباره او می گوید : " او یکی از ملیون پرحرارت به گفته دوستانش سوسیالیت و به عقیده دشمنانش کمونیست بود... در روزنامه خود گاه گاه از عملیات نظامیان در ولایات انتقاد می کرد و این موجب نارضایتی نظامیان شده بود و... روزنامه اش را توقیف کردند وخودش را به تهران طلبیدند..."(۳)

در زمانیکه " ثابت" نماینده قزوین از رضا شاه می خواهد تا ایشان را مرخص کند تا بولایت خود برگردد رضا شاه با ترش رویی با او برخورد می کند و حتی نسبت به شیخ محمدعلی الموتی معروف به ثابت هم بدبین می شود.

نکته جالب در اظهارات بهار درباره این مبارز نستوه آنکه مرتبا او را از جمله هواداران و دوستان رضاخان معرفی می کرد که همین امر اوج سیاستمداری بهار را در نجات از مهلکه مرگ نشان می دهد . ایشان در قصیده معروف "یک شب شوم "تمامی آرمانهای واعظ را زیر سئوال می برد و او را جیره خوار رضا شاه می نامد.

آری بهار با قربانی کردن واعظ به نفع خود از مرگ نجات یافت و شروع به باز کردن راه نزدیکی به جریان آینده قدرت ایران کرد. درباره مبارزات و زندگی "واعظ قزوینی " تاریخ مبارزات احزاب چپ و علی الخصوص سوسیالیستهای ایران را مورد مطالعه قرار دهید، تا دریابید که ملک الشعرای بهار چگونه با سیاست بازی بخش عمده و مهمی ازتاریخ معاصر ایران را پنهان کرده بود.

اولین همکاری میرزاده و بهار رقم خود و آن همکاری سرایش مستزادی با عنوان جمهوری نامه بود که مورد استقبال مردم و روشنفکران قرار گرفت ، شعر شبانه و توسط آمونیاک منتشر می شود و در اختیار عموم قرار می گیرد ، این مستزاد در کلیات مصور عشقی وهمچنین دیوان بهار موجود است ، علت این قضیه شباهت بیش از حد و بلا انکارمستزاد به زبان عشقی وبهاراست"

ضیاء الواعظین سالوس ریقو / کند از بهر جمهوری هیاهو

چه جمهوری عجب دارم من ازاو /مگر او غافلست از قصد یارو...

بقدری این سخنها کارگرشد/ که سردارسپه عقلش زسر شد

به جمهوری علاقه مند تر شد / بنای انتشار سیم و زر شد...

وطنخواهی از ایشان گشت پادار/ رضاخان را زبون کردند از این کار

بهار به طور حتم از سوء قصد به عشقی اطلاع داشته است و این امر را به خوبی می دانسته، از طرقی به او اطلاع داده شده است ، زیرا او در اوائل خرداد ۱۳۰۳ از عشقی می خواهد تا سید محسن خان پسر عموی خویش را برای گرفتن یک قبضه اسلحه جهت حفاظت از جان عشقی بفرستد .(۴) سید محسن خان که به تازگی در تامینات استخدام شده بود از جوانبی مطلع می شود که "درگاهی" دستور قتل میرزاده را داده است . قبل از اینکه این خبر را به اطلاع میرزاده برساند گویا او اطلاع داشت! میرزاده از طریق دوستانی که در مجلس و در جناح اقلیت داشت از این واقعه مطلع شده بود و به دنبال راه فرار و حامی می گشت. او که مرد متجددی بود و جزء معدود روشنفکران آنزمان به حساب می آمد که همواره خود را مقابل سنتهای خرافه ای قرار میداد... با نقل خوابی قصد داشت تا به آنها قضیه را خبر بدهد :" در خواب دیدم که در نظمیه در اتاقی محبوسم و از سقف اطاق که روزنه ای داشت غفلتا خاک زیادی شروع به ریختن کرد ومرا در زیر آن مدفون ساخت ."(۵)

اما میرزاده که اهل خواب و خیال نبود و از این راه می خواست هرچه بیشتر توجه اهل خانه را به محافظت جلب نماید. تا اینجای ماجرا میرزاده نیز از طرقی از ماجرا مطلع شده بود، حتی به خوبی می دانست که این قضیه از طرف درگاهی و نظمیه اتفاق خواهد افتاد. او در این راه از دوست نزدیکی چون بهار کمک می خواهد ولی واقعا نقش بهار به عنوان نزدیک ترین دوست او درآن دوران چه بوده است . ظهریک روز قبل از ترور بهار مهمان او بود، میرزاده از زهرا سلطان پیشخدمت خود می خواهد تا غذائی مهیا کند و بهار حول و حوش ظهر به خانه میرزاده می آید و تا عصر نزد او می ماند ، محتوای گفتگوی آن ظهر هیچگاه توسط بهارفاش نشد و معلوم نشد که در آن دیدار میرزاده از او چه خواسته است و یا بهار چه چیزهایی را به او گفته است ، ولی از رفتارمیرزاده پس از این دیدارمشخص است که اطمینانی از بهار دریافت کرده است ، اطمینانی که مسائل امنیتی حول و حوش خویش را رها می کند و حتی شب را با محبوب خویش کوکب می گذراند.

بهار به کدام لابی قدرت متصل بوده که به راحتی می توانسته از طرقی ضمانت میرزاده را کند، کما اینکه دار و دسته قوام همواره پشتیبان بهار بودند و چه بسا برنامه غوغاسالارانه بعد از ترور قزوینی را نیز خود توصیه کرده بودند. در هر صورت پس از این دیدار میرزاده اندکی آرام می شود و دل به بهار می بندد.

در روزحادثه عشقی به حیاط خانه می آید که بیانگر اطمینان هایی بوده که داشته است، حتی به راحتی با ضاربین خود برخورد می کند و با آنها به گفتگو می پردازد که این نشان می دهد عشقی از رفع قضیه سوء قصد مطمئن بوده، ولی متاسفانه میرزاده فریب می خورد و ترور می شود. او اینبار نیز در بیمارستان نظمیه بهار را می طلبد و در برابر او حرفهایی می زند که هیچ گاه از جانب بهار فاش نشد و بهار در این مورد نیز سکوت کرد.

شرح گزارش کامل میرزاده از سوی نظمیه نیز مسکوت ماند تا چندین سال بعد که ملک الشعرای بهار شعر معروف "چهارخطابه " را در محضر و مدح رضا شاه می خواند... و بهار ... .

منابع

(۱) کلیات مصور عشقی
(۲)همان منبع
(۳) چهارشاعرآزادی، محمدعلی سپانلو
(۴)کلیات مصور عشقی
(۵) همان منبع
منابع دیگر:
پلیس خفیه ایران (۱۳۲۰-۱۲۹۹)مرتضی سیفی فمی تفرشی
مرگ بهار ، علی اکبر قاضی زاده
حیات یحیی، میرزا یحیی دولت آبادی

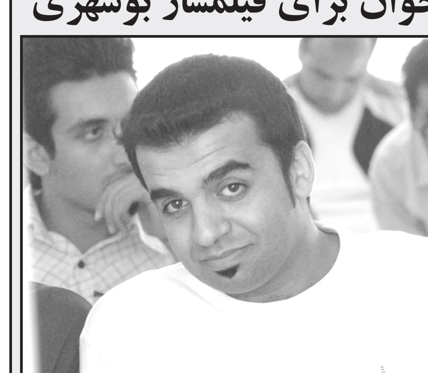
شماره ۶۵۳ - یک شنبه۷ اسفند
NASIM JANOUB

شعری از محمد حسن آرش نیا
برای محمد بیابانی و زخم گلویش



پیچیده در غبار
اشباح
سر به سینه فرو برده
سوگوار
کابوس پر تشنج خوابت را
فانوس های دلهره
می کارند
بر شانه شکسته بعدازظهر
باد رونده
پنجه های تو را
دندان گرفته
می کشد از دور
با دود پر تلاطم بعدازظهر
انگشت کور موریانه
به شب هایت
آسان کشید پرده خاکستر
بر چشم زخم ها
وقتی که داغ
در آتش گلوی تو
گل داد
آن سوی مه گرفته ی بعدازظهر

هشتمین جشنواره بین المللی فیلم ۱۰۰
جایزه بهترین مستند بخش جوان برای فیلمساز بوشهری



مراسم اختتامیه هشتمین جشنواره بین المللی فیلم ۱۰۰ با معرفی برگزیدگان و تجلیل آقای بازیگر از ژاله علو به پایان رسید
در این مراسم که در تالار اندیشه برگزار شد، حسین ربانی غریب دبیر جشنواره‌ی فیلم ۱۰۰ در سخنانی گفت: آینده سینما در دست جوانان است و اگر حمایتی از جشنواره می‌شود حمایت از جوانان است و امیدوارم ما جوانان توانسته باشیم جواب اعتمادی که شده است را بدهیم.
پس از معرفی برگزیدگان بخش رادیویی و هیات داوران جوان جشنواره، نوبت به تقدیر از ژاله علو توسط عزت‌الله انتظامی و محمدحسن پزشک رسید.
عزت‌الله انتظامی در سخنانی گفت: در مدت ۱۰۰ ثانیه قصه‌ای را باید درست کرد که برای تماشاگر مفهوم باشد در حالی که این روزها می‌بینیم فیلم‌های ۹۰ دقیقه‌ای مفهوم نیست اینکه چنین فیلم‌های کوتاهی موفق هستند جای تبریک دارد..
ژاله علو گفت: یکی از زیباترین کارهایی که درباره توجه به مقوله اخلاق می‌توانیم بکنیم این است که بتوانیم در حوزه های مختلف اخلاق حرف بزنیم و فیلم بسازیم، در این راستا جوانان در سینمای اخلاق این کار را انجام دادند و اینکه در ۱۰۰ ثانیه در حوزه اخلاق بتوان فیلم ساخت،بسیار قابل احترام است.
در این جشنواره، جایزه بهترین مستند، از سوی هیات داوران جوان به "مهدی دهقان" از بوشهر برای مستند «کوچه ماهی» تعلق گرفت و تندیس جشنواره، لوح تقدیر و مبلغ ۲ میلیون تومان جایزه نقدی به این فیلمساز اهداء شد.

مصاحبه با پرفسور جودیت ماریوت، دکترای موسیقی ایرانی:

موسیقی بوشهر، سرشار از هیجان و انرژی مثبت است

موسیقی گروه لیان از یک هارمونی و هماهنگی بسیار بالایی برخوردار بود

مصاحبه از فرزان اسدی



بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر در بخش جنبی در تئاتر شهر میزبان اجرای موسیقی محلی بوشهر با حضور گروه "لیان" به سرپرستی محسن شریفیان از بوشهر بود.
این کنسرت با تمام برنامه‌های گذشته گروه متفاوت بود و ابتدای برنامه با شاهنامه خوانی توسط آکا صفوی شروع شد ، خیام خوانی، اجرای افسانه‌های محلی بوشهرو ... از دیگر برنامه های اجرایی این گروه بود که بسیار مورد توجه حاضرین قرار گرفت . در حین اجرای این برنامه یکی از میهمانان خارجی که به شدت تحت تاثیر این برنامه قرار گرفته بود را زیر نظر داشتیم تا پس از اتمام کنسرت به سراغ او برویم و گفتگوی کوتاهی با ایشان داشته باشیم . خانم پرفسورماریوت که درحین اجرای برنامه مرتب از طریق مترجم خود صحبت های میان برنامه ای محسن شریفیان را متوجه می شد در پایان برنامه نیز هدیه ای به رسم یادبود به این هنرمند توانای بوشهری اعطا نمود. بعد از کنسرت به سختی در میان جمعیت او را پیدا نموده و زحمت ترجمه را به دوش مهندس عابدین عابدی زاده گذاشتیم . در ابتدا که از ایشان تقاضای مصاحبه نمودیم از ما سوال نمودند که از کدام نشریه یا روزنامه هستیم و وقتی شنیدند که خبرنگاران بوشهری هستیم به نظر می رسید که اشتیاقشان برای انجام مصاحبه بیشتر شده باشد .

– لطفاً خودتان را معرفی کنید .

– من جودیت ماریوت هستم از استرالیا و دارای مدرک دکترای موسیقی ایرانی .

– کنسرت را چگونه دیدید؟

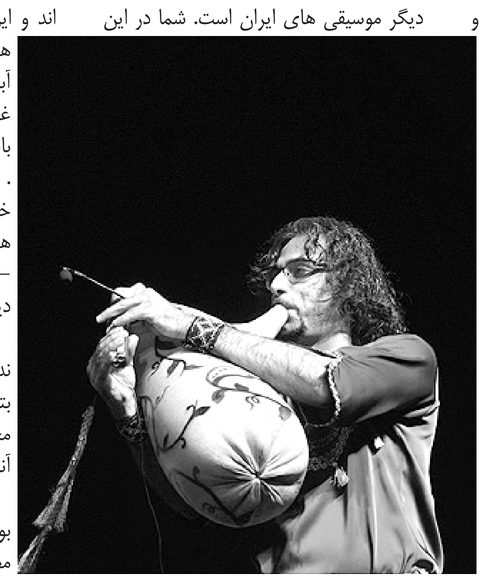
– من فکر می کنم محسن شریفیان و گروهش یک اجرای فوق العاده داشتند و این یک معرفی خوب برای موسیقی بوشهر است و مخصوصا با سرپرستی محسن که خود نیز یک شخصیت بسیار جذاب و خونگرم می باشد در نتیجه انرژی خارق العاده و معجزه آسایی به من و حتما به میهمانان داد. من که واقعا خیلی خیلی لذت بردم.

– با توجه به آشنایی که شما با موسیقی ایرانی دارید ، کنسرت موسیقی محلی بوشهر را چگونه ارزیابی می کنید؟

– این موسیقی از یک هارمونی و هماهنگی بسیار بالایی برخوردار بود، با توجه به شناختی که از موسیقی ایران دارم ، کنسرت محسن شریفیان را خیلی یونیک، منحصر و بی نظیر در ایران می دانم.

– با توجه به مطالعه شما در زمینه موسیقی ایرانی، چه تفاوتی بین این موسیقی و دیگر موسیقی های اقوام ایرانی دیدید؟

– البته که این موسیقی کاملاً متفاوت با دیگر موسیقی های ایران است. شما در این موسیقی می توانید تمامی عناصر و فرهنگ های مختلف اکثر کشورها را ببینی ، به شخصه معتقدم انرژی که در این موسیقی گرفتم را خیلی دوست دارم و سرشار از هیجان و انرژی مثبت شدم، به این دلیل که در این موسیقی از ترکیب فرهنگ ها و آداب و رسوم کشورهای مختلف دنیا دیده می شد آن هم شاید به خاطر فرهنگ و قدمت تاریخی استان بوشهر است .



– چه چیزی در این موسیقی دیدید که فکر می کنید با دیگرموسیقی های دیگر متفاوت است؟

– شاید به این خاطر باشد که بوشهر یک مکان و جای متفاوت است که خیلی از ملیت ها و فرهنگ ها از قبل در آنجا زندگی کرده اند و این فرهنگ ها (در دراز مدت) با هم ترکیب شده است. مثل غذای آبگوشت ایرانی (با خنده) که در این غذا همه چیز دیده می شود و همین باعث خوشمزه بودن این غذا شده است . کنسرت محسن نیز این چنین بود ، خیلی جذاب و فوق العاده بود مطمئناً همگی لذت بردند.

– آیا تا به حال بوشهر را از نزدیک دیده اید؟

– خیر تاکنون بوشهر را از نزدیک ندیده ام و امیدوارم که هفته آینده بتوانم بوشهر را ببینم البته منتظرم که محسن به بوشهر برگردد و بعد حتما به آنجا سفر خواهم کرد.

– چه فصل خوبی می خواهید به بوشهر سفر کنید ، از آب و هوای آنجا مطلع بودید؟

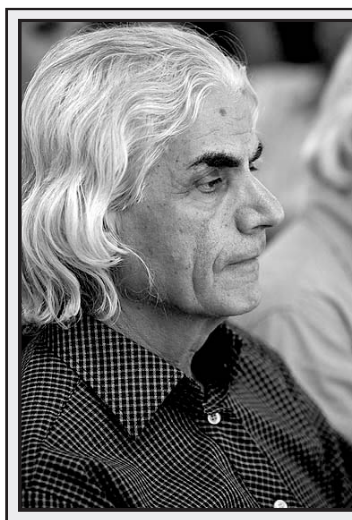
– البته شنیده ام که الان هوای آنجا بهاری است ولی از خود محسن شنیدم که هوای بوشهر یه ذره دیوانه هم هست! یعنی امروز باران می آید و ممکن است دیگر باران نبارد تا زمانی که مردم دست به دعا بردارند تا باران ببارد (طلب باران) .

– آیا تا به حال ایشان را (گروه لیان) را به کشورتان دعوت کرده اید یا دوست دارید دعوت کنید؟

– بله من خیلی تمایل دارم محسن را در کشورم ملاقات کنم و شاهد اجرای برنامه هایش باشیم تا بتواند به نمایندگی از کشورش بالاخص استان بوشهر کنسرت اجر نماید.

انتقال احساس باباچاهی در دوشنبه های ادبی نسیم جنوب

دوشنبه های ادبی نسیم جنوب در هفته گذشته نیز به دبیری استاد آرش نیا برگزار شد. در ابتدای جلسه زهرا رضایی نقدی از محمد لوطیج با عنوان "شعر به مثابه خنده درمانی" را در خصوص کتاب جدید باباچاهی خواندند. در این مقاله و نقد به مولفه هایی چون پرش، برش روایی ،چند صدایی بودن شعرها و سپید خوانی و غیره پرداختند . در ادامه استاد آرش نیا گفت که ما استنباطمان از شعر این است که باید احساس انتقال دهد نه معنی و مفهوم . مثلا اگر از پروانه صحبت میکنیم باید از احساسی که در مورد پروانه در ما ایجاد شده صحبت کنیم .
وی افزود: برای این مثال میتوان به آتشی اشاره کرد. آتشی در شعرهایش نه پریشانی زبانی دارد و نه حرفهای فلسفی تاریخی زده است بلکه رویکرد او به طبیعت بوده و عناصر زندگی را از دل طبیعت به شعرهایش انتقال داده است .
آرش نیا در ادامه با توجه به مقاله ی محمد لوطیج گفت: باباچاهی ساختار شکنی کرده و از ناهنجاری زبانی در شعرهایش استفاده کرده است. وی در ادامه تاکید کرد که شعر باید تلفیقی از معنا و مفهمو باشد و با ساختارشیوه ی جدیدی ارائه شود .
استاد آرش نیا با اشاره به کتاب "دربی تکیه گاهی" باباچاهی گفت: این مجموعه و یکی دو مجموعه ی دیگر ایشان، ما با احساسات شعری خوبی روبرو هستیم اما مجموعه های بعد این شاعر بیشتر با رویکرد ساختار شکنی سروده شده است .
در ادامه ی جلسه پس از گفتگوی سایرین در خصوص شعر استاد باباچاهی ، شاعران به شعر خوانی پرداختند .
از جمله شاعرانی که شعر خواندند عبارت بودند از: سایه درختیان ، فرح راورد شیری ، اسما رستمی ، زهرا رضایی و محمود یوسفی.





زنی تنها و شاعری تنهاتر

در سال کوچ فروغ

باهم: با مشاهده فیلم خاکسپاری فروغ فرخزاد، تابوتی را می بینیم که بر دوش جمعیتی از روشنفکران و شاعران ایرانی همچون زورقی بر امواج راه می سپارد به سوی ساحل واپسین.
اما قطره قطره آن امواج مردانی هستند که تابوت نامدارترین شاعر زن ایران را بردوش دارند. این تصویرسازی و بازی با کلمات از جهت شیرین کاری در نثر نیست، مراد از این تصویرسازی تاکید بر این نکته است که اگرچه دریا همواره بیش از زورق، امواج را در خود جای می دهد اما گاهی زورقی از آن عبور می کند که تا سالها بعد، امواج آن دریا را به نام آن زورق می شناسند.
در دریای شعر ایران که امواجی به شدت مردانه داشته، فروغ فرخزاد آن زورق بود که اگرچه به ساحل واپسین رسید اما اعتباری بود برای آن دریا.
اعتباری که اعتبار خود را از مدح مداحان معتبر کسب نکرده بود و بر همین نهج امروز نیز او را نیازی به مدح ما نیست. پس در ادامه می کوشیم درطرح موضوعی درباره آثار و جریانی که او پس از خود برجای نهاد.
نخستین مجموعه شعر فروغ به نام "اسیر" در حالی منتشر می شود که پیش از آن چاپ اشعار فروغ در نشریاتی چون سپید و سیاه و روشنفکر مورد توجه واقع شد تا آنجا که سیدهادی حائری مجموعه ای از اشعار فروغ را گردآوری و در قالب کتابی منتشر کرد. "اسیر"، شامل چهارپاره هایی رمانتیک بود و بیانگر روحیات زن "اسیر" ایرانی که مرز میان پستوی خانه تا حضور قابل اعتنا در جامعه را به سختی طی می کرد. فروغ در این مجموعه و در این مقطع از زندگی هنری خود اگرچه آنگونه که خود می گفت متاثر از اشعار دو فریدون زمانه خود(توللی و مشیری) بود اما فضای زنانه اشعار مجموعه اسیر به شدت برگرفته از فضای اشعار بیلی تیس بود. آثار این شاعر یونانی را شجاع الدین شفا در سال ۱۳۲۸ ترجمه و منتشر کرد، شفا همچنین کسی بود که برای "اسیر" فرخزاد مقدمه نوشت و اشعار فروغ را در "اسیر" نمونه ای از "ادبیات شخصی" دانست.
دو مجموعه دیگر فرخزاد به نام های "عصیان" و "دیوار" نیز در دهه ۳۰منتشر شد. سانتی مانتالیسم سطحی اشعار فروغ در این دو مجموعه تکرار شد و این دو مجموعه چیزی به اشعار فرخزاد نیافزود جز آنکه زندگی شخصی و البته حواشی آن، فروغ را بیش از پیش در معرض توجه قرار داد. جدایی او از شاهپور همراه بود با حضورش در بطن تحولات فرهنگی و اجتماعی زمانه.
فرخزاد پس از انتشار این سه مجموعه راهی اروپا می شود و پس از بازگشت بواسطه آشنایی با ابراهیم گلستان به فعالیت در عالم سینما روی آورد. اما در این میانه "تولدی دیگر" متولد می شود.
مجموعه چهارم اشعار فروغ که مسیر شعر فروغ و شعر فارسی را دچار تحول می کند.
فروغ پس از انتشار تولد دیگر می گوید «من اگر به اینجا- که جایی هم نیست- رسیده‌ام، فکر می‌کنم که تجربیات شخصی خودم عامل اصلی‌اش بوده... من احتیاج داشتم که در خودم رشد کنم و این رشد زمان می‌خواست و می‌خواهد. با قرص‌های ویتامین نمی‌شود یک مرتبه قد کشید. قد کشیدن ظاهری است، استخوان‌ها که در خودشان نمی‌ترکند. یک وقتی شعر می‌گفتم، همین‌طور غریزی در من می‌جوشید. روزی دو سه تا. توی آشپزخانه، پشت چرخ خیاطی. خلاصه همین‌طور می‌گفتم. خیلی عاصی بودم. همین‌طور می‌گفتم. چون همین‌طور دیوان بود که پشت سر دیوان می‌خواندم و پر می‌شدم و چون پر می‌شدم و به‌هرحال استعدادکی هم داشتم، ناچار باید یک جوری پس می‌دادم. نمی‌دانم این‌ها شعر بودند یا نه، فقط می‌دانم که خیلی "من" آن روزها بودند، صمیمانه بودند؛ و می‌دانم که خیلی هم آسان بودند. من هنوز ساخته نشده بودم، شکل خودم را و دنیای فکری خودم را پیدا نکرده بودم. توی محیط کوچک و تنگی بودم که اسمش را می‌گذاریم زندگی خانوادگی. بعد یک‌مرتبه از تمام آن حرف‌ها خالی شدم. محیط خودم را عوض کردم. یعنی جبراً و طبیعتاً عوض شد. "دیوار" و "عصیان" در واقع دست و پا زدنی مأیوسانه در میان دو مرحله‌ی زندگی است. آخرین نفس‌زدن‌های پیش از یک نوع رهایی است...».
و "تولدی دیگر" رهایی فروغ بود. و پس از آن "ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد" که پس از فصل سرد مرگ فروغ خوانش آن حال و هوایی دیگر یافت.
مرگ فروغ در ۳۲سالگی یعنی در سنی که شخصیت شاعر در حال شکل گیری بود اگرچه شعر ایران را از ادامه فروغ بی نصیب کرد اما بر روال ذائقه ایرانیان سبب شد تا از خاکستر تراژدی، ققنوس قهرمان به پرواز درآید.
فرخزاد پس از مرگ زودهنگام، هنگامه ی حیات شاعران زن ایرانی را با خود گور برد. هضم و تحمل این سخن اگرچه بی گمان بر عده ای دشوار خواهد بود اما فرخزاد یگانه ای بود در شعر ایران. اوهمان زورق بود که در میان امواج مردانه دریای شعر ایران به شعر زنان و شاعران زن اعتباری بی بدیل بخشید.
او این همه را تنها در ۳ دهه زندگی به اثبات رساند ولی تا بیش از ۴ دهه پس از او اگرچه نام و اشعار و تصویر او بر کارت پستالها و قابهای بر دیوار بعنوان یک قهرمان در میان بود اما از تاثیر شعرفروغ بر شعر زنان ایران خبری جز کپی برداری های ناشیانه و سطحی درکار نبود.
اینگونه بود که فرخ زاد در کنار هدایت و شریعتی قرار گرفت، مثلثی که اضلاع اش اگرچه شیفته و شیعه فراوان داشته و دارند اما راهی که هرکدام آغازگر آن بودند به راستی و شایستگی ادامه پیدا نکرد. چراکه از قهرمان تنها باید یاد کرد نه از او یاد گرفت، قهرمان را باید بر سر گذاشت و نه در سر، جا پای قهرمان را باید زیارتگاه کرد نه جا پای او نهاد، به قهرمان می بایست اعتقاد داشت نه انتقاد...

۲ عکاس بوشهر در سوگواره عکس عاشورایی

آریا دخت جهانبخشان و محسن کیانپور از هنرمندان عکاس حوزه هنری استان بوشهر به چهارمین سوگواره عکس عاشورایی راه یافتند . روابط عمومی حوزه هنری استان البرز طی اطلاعیه ای اعلام کرد از بین ۱۲۶۸ اثر رسیده از ۱۹۰عکاس به دبیرخانه سوگواره، تعداد ۸۴ اثر از ۶۰ عکاس به مرحله نمایشگاهی سوگواره راه پیدا نمودند .

فیلم "سرنوشت این یکی" در حوزه هنری بوشهر تولید شد

تهیه و تولید فیلم کوتاه « سرنوشت این یکی » در واحد فیلم حوزه هنری بوشهر و امور استان های حوزه کشور پس از طی مراحل تدوین و صداگذاری به پایان رسید. داستان این فیلم ۱۵ دقیقه ای به نویسندگی و کارگردانی بیژن همدرسی در مورد احساس مسئولیت در مقابل همنوع می باشد. عوامل این فیلم عبارتند از: تصویربردار: نوید مهیمنیان- صدابردار: مهدی انصاری- بازیگران: غلامحسین بارونی- رضا زیتونی- محمد بارونی- پیران کبگانیان- میثاق بارونی- مدیر تولید: مهدی انصاری.

صدها دوشنبه با دوشنبه های ادبی نسیم جنوب

سرقت ادبی چیست؟ محقق کیست؟

اتهام وارد است یا نه؟

زهرا رضایی طرهانی



فرهنگ لغات ، دستبرد فکری رابه معنی تخصیص دادن خلاقیت ادبی یا پژوهش یا بخشی ازآن که متعلق به دیگران است به خود که،گویی شخص آن را خود خلق کرده، تعریف نموده است.
دستبرد فکری اگر در حوزه ادبیات باشد سرقت ادبی، اگر در حوزه هنر باشد سرقت هنری، و اگر در حوزه پروژه دانشگاهی انجام شود سرقت علمی نامیده می شود. در عرصه روزنامه نگاری سرقت حقوق معنوی، نقض اخلاق روزنامه نگاری شمرده می شود و با متخلفان معمولا برخورد می شود. به زبان ساده، یعنی رونویسی کارها یا ایده های دیگران و انتساب آنها به خود.جامع ترین و ساده ترین تعریف در خصوص سرقت ادبی مطرح شد، تا دید کسانی که به راحتی و بدون توجه و یا حتی خواندن مقاله شخص را متهم می کنند، بازتر شود. در هر صورت باید با تعاریف آشنا شد چه اتهام یا غیر اتهام راوارد کرد. در کنار تعاریف مختلف در خصوص سرقت ادبی، هنری، علمی برای رسیدن به باور اتهام یا غیر اتهام بایستی واژه های دیگری را هم بشناسیم:
تحقیق: شامل جمع آوری ومرتب کردن مطالب از منابع موجود است ، تحقیق برپایه منابع که در واقع نوعی انتقال دانش می باشد که نبایست فرای آنچه که در منابع آمده ذکر کرد یا آنچه را که مقصود منبع نبوده به یکدیگر مرتبط کرد. نقل مطلب بدون توجه به محتوای کلی آن نیز مجاز نیست. نویسنده باید امانت دار باشد و به دید گاه بی طرف وفادار بماند.
دنیای مجازی که می توان آن را جهان بی منتها و بی مرز دانست مشتمل بر دنیای گسترده از اطلاعات است که این امکان را فراهم کرده است که راه تحقیق ، پژوهش، آگاهی ، اطلاع رسانی، آموزش و...آسان گردد. جهانی پیچیده وعظیم که قابل احترام است و باید بدرستی ازآن استفاده شود.
یاهو،کوگل و...همه اینها عوامل بیگانه هستند که ما را نابود می کنند!!!...تعجب نکنید، این گفتار خیلی هاست درست یا غلط کم نیستند دوستانی که فکر می کنند این سرویسها راه اندازی شده تا ما را نابود کنند ، و در مقابل این افراد کسانی نیز هستند که اعتقاد دارند که اینها ابزارهایی هستند که ما می توانیم از آنها استفاده کنیم. با یک ماشین میشود به سرعت رفت و تصادف کرد و می شود با همان ماشین جان آدمی را نجات داد. این نگاه ابزاری ماست که بدانیم ،این ما هستیم که از ابزار استفاده می کنیم درچه راستا واهدافی...
متاسفانه و متاسفانه، گاهی صحبت هایی در محافل بعضا روشنفکری شنیده می شود که فلانی مطلبش مال اینترنته، و مال خودش نیست وبی توجه به تعاریفی که دربالا ذکرشد مغرضانه و ...مطرح می شود که تمامی شخصیت فرهنگی فرد را زیر سوال می برد، شخصی که سالها در خدمت افکارش، فرهنگ و مردمش بوده است وبرایش فعالیت می کرده است.
مثال ساده ای می زنم: شخصی شاعر است ولی الزاما نباید که منتقد، تحلیل گر، و...باشد، اما، می تواند محقق خوبی باشد و جستجو گر قابلی. من کلمه جستجو گر ، کاوشگر، را بیشتر می پسندم که در کنکاش است و دنیای اینترنت یا مجازی را به جای گفتگوهای بی اساس و ولگردهای فکری به جهت مثبت می نگرد و استفاده درست... به جمع آوری مطالب ادبی و فرهنگی و...می گذراند و در این فصل سرمازده بی مطالعه گی رایج در جامعه، در محفل ادبی که در سطح شهر برگذار می شود و عاجز از ارایه حتی یک زندگینامه هستند، و هزاران بار شاهد بوده ایم و سالهاست می بینیم، مطالب را می گیرد و مرتب تا مطرح کند تا آموزش و دانشی را انتقال و بر آموخته ها بیافزاید و مفهوم یادگیری را شکل بدهد، مطلب به گوش نرسیده پچ پچ شروع میشود که چیزی بلد نیست، از اینترنت گرفته،و... باور کنید همین شخص در طی زند گی خود شاید ده کتاب نخوانده و یا جستجو در عالم مجازی را نمی داند ، تنها و تنها بلد است متهم کند که باید بگویم وارد نیست و حتی مجرم محسوب می شوید...
برگردیم به تعریف سرقت ادبی و درک آن و جدی بیاندیشیم. ما واقعا نیاز به درک واژه ها و تعاریف آنها داریم. زمانی که من راجع به معرفی یک شاعر ، نویسنده، مورخ و... برای یادگیری به دیگران مطلب ارایه میدهم امانت داری انتقال داده ها اولین گام من است و نظر خواهی و نقد و تحلیل بحث دیگری است که میتواند باشد یا نباشد و یا مبحث جداگانه ای باشد. الزاما یک محقق یا پژوهش گر همانطور که قبلا ذکر شد نباید تحلیل گر باشد و به کارها و اهداف دیگر وی بایستی توجه و احترام گذاشت.



دنیای مجازی (اینترنت) دنیای گسترده و زیبایی است ، کتابخانه جهانی که همیشه در دسترس است و معلم بی توقعی که همیشه در خدمت دانش آموز است با شرط نگاه درست واستفاده مفید.
دربعضی رسانه های محلی نام اینجانب را دیده اید که مطلب جدیدی را برای انتقال آموخته به خوانندگان نوشته و در کنار آن ذکر کرده است «تنظیم وگردآوری» و با ذکر منابع ؛ ... شما با تعاریف ذکر شده نام او را چه می گذارید؟ شخصی که می خواهد با اندوخته های دیگران خود را به اثبات برساند و یا شخصی که، مطلب را مینویسد که آگاهی انتقال دهد حتی اگر یکنفر بخواند و بشنود، چیزی یاد بگیرد او کار خود را کرده است او نیازی به مطالبی که مشاهده کرده و بهره گرفته و آموخته ندارد آن را برای تو می گوید که در آموخته اش سهیم باشی.
باز هم یاد آوری میکنم که گام اول این است که بدانیم محقق، تحلیل گر یا منتقد نیست.انتقال آگاهی و اندیشه از هر مکان و فضا و حیطه ی ادبی و فرهنگی ، وظیفه ی یک هنرمند نسبت به دیگر هنرمندان، دوستداران ادب وهنر می باشد، حتی وقتی کتابی را میخوانید شما اندیشه نویسنده را از ذهن او به خودتان انتقال می دهید، ادبیات درخت کهنسالی است که با ریشه های تنیده در خاکش باید کامل شناخته شود، هر کس به طریقی این درخت را آبیاری می کند، اگر از روشی که می بینید خوشتان نمی آید، روشی دیگر انتخاب کنید... این درخت در هیچ کجای دنیای ما ، با حرف ها ، تئوری ها و پچ پچ های ناآگاهانه آبیاری نمی شود...ودر آخر... بیایید نگاهمان را شفاف کنیم به راحتی افکار و اعتقادات و فعالیتهای یک شخص را با یک قضاوت زیر سوال نبریم و کشتن شخصیت یک فرد کمتر از شلیک کردن به او نیست ، نهایت دیگر نمی نویسد و بصورتهای دیگر انتقال مطلب می کند ولی ضرر را او نمی بیند، وقتی حرفی راپرتاب می کنیم حواسمان باشد اهدافمان چیست.
خوشحال ام که خوشه چین فضل بزرگان ام.

نسیم جنوب ۵
اجتماعی
شماره ۶۵۳ - یک شنبه۷ اسفند
NASIM JANOUB

دشتِ سترون

تاملاتی زیست محیطی در مفهوم شهروندی

اسماعیل حسام مقدم

در فضای زیست جهانِ شهری که در بی توجهی به اصول زیستی و نبود تشکل هایِ قوی و ریشه دار غیردولتی، همواره با از بین رفتن حق اولیه ی حیاتِ نباتات، حیوانات و حتی انسان ها مواجه می شویم و در روند عادی شدگی وحشتناکی که مایه های اعتراض و انتقاد را در شهروندان نسبت به وضع موجود را می خشکاند، هر لحظه با وخیم شدگی زیست بوم و اکولوژی شهری مصاف می کنیم. وقتی که زایش نگرش های انسان گرایانه آن چنان سترون می شود که چشم بر وضعیت وخیم زیست محیط دریایی خلیج فارس بسته می شود، یا آن هنگام که در احساس سرخوشانه ی چشم چرانی حیواناتی که در بدترین وضعیت نگهداری می شوند و صرفن به ابژه و مفعولی برای کسب درآمد تقلیل داده می شوند، همه و همه به عقیم ماندگی اندیشه های دگرخواهانه اشاره می کنند. به زعم یورگن هابرماس؛ فیلسوف اجتماعی آلمانی، وقتی که "عقلانیت ابزاری" همواره به مستعمره سازی کنش های انسان باورانه بپردازد و زیست جهان او را به مثابه ی وسیله ای در چنگ خویش کشد، دیگر حتی مقوله ی زیستِ انسان نیز در ردیف مفاهیمی قرار می گیرد که از معنا تهی شده اند و هرگز به درون دغدغه ها و چالش های اخلاق زیستی شهروندان قرار نخواهند گرفت. دشت سترونی از کنش های انسانی که هرگز رو به سوی حیات و زندگی ندارد بلکه در فقدان درک حضور دیگری، همه چیز خود را در این فضای تهی معنا بخشیده؛ معنایی که فقط برپایه ی عقلانیتِ ابزاری، هر چیزی را به وسیله ای بی ارزش مسخ می کند.

در فضای متوازنِ زیستِ شهری، از این که اکولوژی و زیست بوم شهروندی مورد هجمه و نقصان قرار گیرد، همواره جامعه ی مدنی قوی و ریشه دارهم چون میزان الحراره ی زیستِ مدرن شهری ایفای نقش می کند و در فرآیندی گفت و گو محَور، از انقیاد معانی انسان باورانه ممانعت می کند، اما بالفرض هنگامی که زیست بوم واقعی خلیج فارس در هیاهوی بزرگنمایی عنوان "خلیج فارس" به فراموشی سپرده می شود و از "جنگل حرّا" صرفن عنوانی برجای می ماند، از کدام اخلاق زیستی می توان حرف زد؟! به نظر می رسد چنان به درون فراموشی و بی توجهی ساختاری ای سقوط کرده ایم که حساسیتِ انسانی خویش را نیز ازدست داده ایم. حساسیت به توازن زیستی در یک زیست بوم



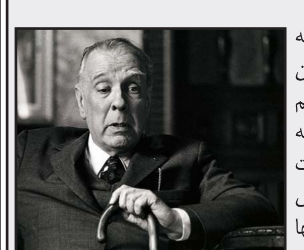
مشترک که همه چیز به طور نظام مند و ساختاری به هم مفصل بندی شده وعدم درک حضور یکی از اجزا، در طولانی مدت می تواند به بی توجهی نسبت به کل این زیست جهان بیانجامد. این انسجام و درهم تنیدگی زیستِ مدرن، به ناگزیر انسان را به گونه ای اخلاق زیستی رهنمون می شود که به زعم امانوئل لویناس؛ فیلسوف لیتوانیایی، اخلاقی کاملن مبتنی بر "دیگری" را سامان می دهد؛ آن چنان که هر انسانی درقبال دیگری نباتی، حیوانی و بالاتر از همه ی اینها نسبت به دیگری انسانی، مسئولیتِ اخلاقی دارد، مسئولیتی که درعدم توجه و فراموشی آن، به ناَگزیر به چیزهایی ختم می شود که در تاریخ قرن بیستم می توان از آن ها به مثابه ی فاجعه یاد کرد؛ نسل کشی ها، انقراض گونه های حیوانی متعدد، کوره های آدم سوزی و جنگ های ویرانگری که هنوز از ضایعات آن می توان یاد کرد. لویناس اخلاقی را مبتنی بر درکِ مطلق دیگری شاکله بندی می کند، ریشه ها و خاستگاه های آَن را نیز بر بی نهایت بودگی مسئولیت درقبال دیگری بنا می نهد و قرائتی دگرخواهانه و دگراندیشانه از زیستِ اخلاقی در جهانِ مدرن ارائه می دهد که کرانه های درکِ اخلاقَی از هستی و باشیدنِ دیگری در جهان را چنان فراخ می کند که درقبال حتی نباتات نیز متوجه و متذکر رفتار و قاعده ی اخلاقی خواهیم شد، حالا چه برسد به زیستِ انَسانی دیگر.

اخلاقِ شهروندی و بسترهای مرتبط با آن، در مقولات انتزاعی و مفهومی قرار نمی گیرند، بلکه با موقعیت‌های "خاص" پیوند دارند. به جای این که اخلاق را به دلسوزی به حالِ قربانیان تقلیل دهیم، باید آن را دستورِ اخلاقی پاینده‌ی فرآیندهای منفرد به حساب آورد. آن چنان که اخلاق، امروزه قاعده‌ای است که تعیین می‌کند با آن چه «در حال رخ دادن است» چگونه روبه‌رو شویم. اخلاق؛ شیوه‌ای است «برای سامان دادن به برداشت امان از موقعیتِ تاریخی (اخلاق حقوق بشر)، موقعیت علمی، فنی (اخلاق پزشکی ـ اخلاق زیستی)، موقعیت اجتماعی (اخلاق با ـ هم ـ بودن) موقعیت رسانه‌ای (اخلاق ارتباطات) و غیره که در این خاص بودگی کنش‌های اخلاقی، اخلاق مبتنی بر تفاوتِ دیگری را می‌توان تبیین کرد. این گونه واکنش‌های منفرد فردی، سپهر زیست اخلاقی امان را با گونه‌های خاصی از اخلاق و تفاوت‌های اش، سرشار و مملو می‌کند که این خود در تشخص بخشیدن به افراد جامعه نقش به سزایی ایفا می‌کند. اما هنگامی که این اخلاق و کنش های اخلاقی با کلان روایتی ایدئولوژیک همنشین می‌شود و از خاص بودگی به در می آید، علاوه بر همسان کردن افراد و عشیره‌ای کردن کنش‌های اجتماعی آنها، رفتارهای اخلاقی‌اشان را با دروغ ـ ریا ـ تهمت ـ انتقام ـ خشونت و فراموشی همزاد و توامان می‌کند و از این جاست که "اخلاق دروغ" در جامعه‌ای بر تمام شرایط و موقعیت‌های انسانی ـ محیطی، سلطه می‌یابد، تفاوت‌های فردی از بین می‌رود و همه‌ی شهروندان، تبدیل به سیاهی لشکر می‌شوند و از این فضای بیمارگونه چیزی جز عدم درک حضور دیگری صورتبندی نخواهد شد.

درون این هزارتوی پیچیده ی زیستِ انسان مدرن، نقشه ی راههای اخلاقی متعددی ترسیم شده تا از درافتادن در دشت سترون انسانی دور نگه داشته شویم، اما چنان عدم حساسیت اخلاقی در زیست بوم شبه مدرنِ ایرانی، خود را در ذهنیت تاریخی به رخ می کشد که این نادَیده گرفتن های حق حیات نباتات و حیوانات، به زیست جهان انسانها نیز سرایت میکند؛ آنجاکه تصادفات جاده ای هم چون جنگ می ماند و یا آن جا که شرایط نگهداری انسانها در آسایشگاهها و بیمارستانها چنان غیرمسئولانه و غیرانسانی هست که از فرط تکرار، عادی شده و وجدان خواب آلوده ی هیچ انسانِ شبه مدرنِ ایرانی را هرگز به درد نمی آورد و این روایتی تلخ اَز والتر بنیامَین؛ فیلسوف ادبی آلمانی هست که می گوید: "این که همه چیز همین طور که هست پیش می رود، همین فاجعه است."

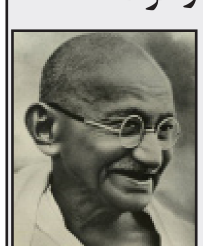
یادداشت ها:
عنوان مقاله، نام شعری از تی.اس.الیوت می باشد.
ایمیل نویسنده:paradox_hesam@yahoo.com
وبلاگ نویسنده: paaraadox.blogspot.com

جنبه های ناشناخته



ماریو وارگاس یوسا می گوید : نو آوریهای نویسندگان بزرگ چشم ما را به جنبه های ناشناخته وضعیت خودمان باز می کند . وقتی می گوییم « بورخسی » این کلمه بلافاصله چیزی را برای ما تداعی می کند و آن جدا شدن ذهن ما از نظم عقلانی واقعیت و ورود به عالم غرایب است ، ورود به بنایی آراسته و منسجم که کم و بیش همه جای آن هزارتووار و رمز آمیز است و آکنده از ارجاعات و اشارات معماوار ادبی که غرابت آنها برای ما چندان ناشناخته نیست ، چرا که تمناهای پنهان و حقایق نهفته در شخصیت خودمان را در آنها باز می یابیم ، و اینها تنها به یمن آفرینش ادبی خورخه لوییس بورخس شکلی مشخص گرفته است .

شخصیتی برای استقلال و عزت



خسرو مسعودنیا: بعضی از شخصیت ها در برخی کشور ها هستند که گرد و غبار زمان نمی تواند اندکی از محبوبیت آنها بکاهد . شخصیت هائی که برای استقلال و عزت نسل های بعد از خود هر سختی را به جان خریده و راه پیشرفت و پیشروی ملت ها را برای آنها هموار کردند . مهاتما گاندی , رهبر فقید هند نمونه بارز و مشخص این گونه شخصیت هاست . فردی که نامش به عنوان پدر هندوستان همچنان با احترام برده می شود .

مصاحبه با ابوالقاسم محمدی تصویرگر محله خاطره آمیز باغملای بوشهر:

نگذاریم دامنه سوختن به بافت قدیم بوشهر و دیگر نقاط برسد

بوشهر تنِ سوختن باغملاهای دیگر را ندارد

باغملا، محله ای از محلات بوشهر که سالهاست، تنها خاطره ای از آن در اذهان باقی مانده است. سال ۱۳۵۰ این محله به همراه مناطقی دیگر از شهر بوشهر، خالی از مردم شد تا پایگاه نظامی در آن ساخته شود، اما عجیب اینکه مردم آن محلات هیچگاه عشق و علاقه خود را نسبت به آنجا از دست ندادند و در تمامی این سالها، علیرغم پراکنده شدن، دلهایشان در جغرافیای عشق زادگاهشان به هم گره خورد تا همچنان خود را ساکن آن محلات بدانند. ابوالقاسم محمدی باغملایی از آن جمله است که بعد از سالها کوشش، با سیاه قلم خود، تصویر گر محله باغملایی شد که سالهاست، دیگر تصویری نداشت. برگزاری نمایشگاه سیاه قلم ابوالقاسم محمدی باغملایی از محله باغملا، افراد زیادی را به نمایشگاه حوزه هنری کشاند. به همین مناسبت سایت فرهنگی نیمدری با وی مصاحبه ای انجام داده است که در زیر می خوانید:

– جناب آقای محمدی باغملایی لطفا در ابتدا بگوئید از چه زمانی با هنر آشنا شدید؟

– قبل از هر چیز باید بگویم از بدو خلقت تا کنون هر انسانی با هنرمندی خالق خود بدنیا می آید و هنر با او زاده می شود و تا واپسین روزهای زندگی با اوست. من هم کارگردان هنرمندی پنهان از نگاه دیگران ۹ماه در زیباترین سالن دنیا تمرین داد تا در نمایشنامه (زندگی و حیات)بازی کنم.

اولین دیالوگی که به زبان آوردم گریه کودکانه بود که به مادرم اعلام کردم من هم بازیگر تئاتر زندگی تو هستم .از ان روز با او یاد گرفتم که همواره با بازیگران عرصه گسترده نمایشنامه زندگی ،حرمت خالق اثر و کارگردان را نگه دارم. با هر دست و پا زدنم در کنار او اشک ذوق و شوق از گونه هایش جاری بود. روی سن ، روزگار مهر آمیز او در کنارش و همراهش خاک شوربختی ها و شیرینی ها را خوردیم و یاد گرفتیم که هنر چه شیرین است اگر مقدسش داری.

– چه افرادی را توانستید در آن زمان که دبیر هنر بودید، به جامعه هنری معرفی نمائید.

– آقای محمد لطفی با یک سیلی ، شاید تعجب کنید که این چه نوع آموزش و تربیت هنری است. درنمایشنامه شوراب ، دیالوگ ساده و کوتاهی بود ، پسربچه ای در پایان نمایشنامه از میان تماشاچی ها بنا به درخواست شهرو که دختری انقلابی بود ، از جمعیت کمک می خواست. وقتی او کمک می طلبید ، همه ساکت بودند و کسی به یاری او نمی آمد، گویا همه خاک مرده به روی خود ریخته بودند. آقای لطفی باید در میان جمعیت با داد و فریاد بسوئی شهرو بدوید و بگفت : شهرو شهرو مو هسم. همین جمله شاید ۱۰۰ بار با محمد تمرین کردم .قبل از اجرا ، این کار را راحت انجام می داد و مشکلی هم نداشت. . یکروز قبل از اجرا تعدادی از برو بچه های تئاتر و آقای شیخ محمد صداقت در سالن نشسته بودند محمد هربار که به سن نزدیک می شد به لکنت زبان می افتاد. چندین بار به او فرصت دادم ، گفتم محمد فردا اجرا داریم ، آبروی همه ما را می بری و او در جوابم می گفت :چشم ، اینبار دیگر تکرار نمیشود . بار آخر رفت و با داد و فریاد آمد، نزدیک سن که رسید دوباره خراب کرد. بچه های جهاد همه رفته بودند محمد ترسیده بود، اسماعیل برآورده سیاهی لشکر بود. صدای اسماعیل زدم و گفتم بیا اینجا . فرستادمش ته سالن و گفتم :این جمله را تکرار کن . چنان نقش آفرینی میکرد ، انگار یک عمر بازیگر تئاتر بوده است. حالا شما جای من بودید با محمد چه میکردید؟ همان سیلی باعث شد تا حس خوابیده در پس ذهنهای لطفی بیدار شود. بعد از بیداری لطفی روزی که با آنها کلاس داشتم ، با گنجینه ای از دست نوشته هایی که بعضی اوقات حتی به شک و تردید می انداختم به سراغم می آمد. سطر به سطر – کلمه به کلمه ، نوشته هایش می خواندم و به او احسنت می گفتم . بابت آن سیلی هم گفته بودم و حالا هم می گویم . پسرم محمد جان معذرت می خواهم. فکر کنم اگر آنروز ، امروز بود، بجای سیلی تورا نوازش می کردم و می بوسیدمت.

مسعود ماهینی نیز دانش آموز ساکت و آرامی بود با آنتن های بدون زنگ زدگی . هرآنچه می گفتم بی خیال هیاهو و شیطنت های بچه های کلاس همه را در سی دی ذهن خود ضبط می کرد و امروز و قتی کار او را می بینم ، حاضرم شاگردیش کنم. کورش زنگویی نیز می توانست بدون دغدغه همیشگی روزگار، هنرمند شایسته ای باشد و شاهرخ تنگسیری نیز بیش از حد دوست داشتنی است. مهرزاد جمالی دانش آموز مدرسه راهنمایی شهید فرجی محله دباغی شیراز که یدی شیطانی در به تصویر کشیدن هر آنچه پیش رویش گذاری داشت ، آنهم با رنگ هایی که وقتی در کوره کاشی هفت رنگ گداخته می شوند. و رنگ واقعی به خود می گیرند، از کسانی بود که اگر به ارزش هنرمندی خود بها می داد ، بدون شک ، امروز فرشچیان دومی بود که در کشف استعداد او در کلاس هنر قصه ای گفتنی دارد که در فرصتی دیگر بیان خواهم کرد. هرچند همه دانش آموزانی که در سالهای باهم بودن، با آنها بودم ، در عرصه زندگی خود هنرمند هستند اگر در اینجا اشاره ای ننمودم ، مطمئن باشید هنرنمائی شما در عرصه های دیگر افتخاری است برای حقیر.

– چرا دیگر تئاتر ادامه ندادید؟

– قبلا اشاره کردم وقتی دیدم به صغیری با آن همه گران سنگی هیچ بهای نمی دارند ، بخود گفتم اگر دیدی سر همسایه ات می تراشند ، تو سر خودت خیس کن.

–چه علت باعث شد که بعد از یک دوره طولانی به سمت هنر بروید؟

– هیچ آهنی بدون اینکه در کوره تفیده شود، فرم دلخواه آهنگر نمی گردد. اگر هزاران چکش بر او زنی، در این مدت در کوره داغ زندگی کشیدم آنچه که دیگران نکشیدند تا این تصاویر را کشیدم.

– آیا رشته نقاشی را به صورت آکادمیک گذرانید یا تجربی؟

– در هم آویزی از هردو.

– کدامیک از هنرمندان هم استانی و کشوری بیشترین تاثیر را در ادامه راه هنر شما گذاشته اند؟

– استاد صغیری – بعداز پیروزی انقلاب بعداز ظهر همان روز بود ، بلند گوی دستی در دستش بود روبه روی گمرک به او رسیدم – سراز پا شور و هیجان بود. صدایم زد با هم براه افتادیم ، کنار ساحل ترانه آزادی می خواند . منزل او پشت سینما فانوس بود ، گفت برویم منزل استراحتی کنیم و بر گردیم. در منزل از دکتر شریعتی که استادش بود و خاطرات ابوذرش برایم تعریف کرد . تاثیر زیادی روی من گذاشت. چند ساعتی با هم بودیم او می گفت و می خواند و من مثل نوار کاست خالی ، پر می شدم. شعر عبدوی جط منوچهر آتشی نیز آتشم زد. برای امتحان پایان ترم درس فن بیان آن را انتخاب کرده بودم، وقتی خواندم استاد بروبر نگاهم میکرد. در پایان شعر گفت : این شعر از چه کسی بود؟ گفتم : استاد از شما بعیده. سرش زیر انداخت. گفتم از آقای منوچهر آتشی، شاعر همشهریمون ، شعرهای فروغ فرخزاد نیز بی تاثیر نبودند. راحت تر بیان کنم ، من همه چیز برایم زیباست شاید این ادعای من برجسته گری خود قلمداد شود . باور کنیدن بی هنری را نیز هنر می دانم و سیاهی را سفید می بینم. همه اینها برای من درس هنری است اگر از آنچه که بد می نگریم مطمن باشیم که زیباست، این بدنگاهی ما نسبت به هنرمندی خالق هستی است. باید همه این رفتارها و کنش و واکنش های طبیعی جاری باشند تا نظم به بی نظمی نرود.

– انگیزه اصلی شما برای به تصویر کشیدن و بازنمایی باغملا چه بود آیا عکس یا طرحی از آن زمان داشتید که توانستید این همه کوچه پس کوچه و ساختار باغ ملا با تمام فضای جغرافیایی و نمادها را به تصویر بکشید؟

– قصد و نیت بعد از ۴۰ سال از تصرف و شخم زدن آرزوها و آمالهای مردمی که در زادگاهی با همه مهربانی ها ، همجوشی، همخواهی های قومی و فرهنگی ، دور هم جمع بودند، غم و غصه و شادی را با هم تقسیم می کردند، این بود که برای بازیابی، هویت از دست رفته و پایمال شده آنان و آنچه تاکنون ذخیره کرده اند تا امروز از آن بهره جویند، کاری شود تا شاید قطره باران رحمتی باشد برای سرد کردن آه و ناله های مردمانی که شب و روز از کنار فنس نیروی هوایی عبور کنند و آه می کشند و می گویند یاد ایام ، یاد باغملا و می گویند: یا رب از ابر بهاری برسان بارانی.

هیچگونه اثر و ردی از این فضاهای به تصویر کشیده در اختیار هیچ فردی از اهالی باغملا و باغ شیخ ابول نبوده و حتی خانواده خودم که بخواهند در اختیارم بگذارند تا گوشه ای از داشته های آنها که دیگر اثری از آن باقی نمانده به تصویر بکشنم. بعد از چهل سال وقتی به ذهن آنها مراجعه می کردم حتی کوچه پس کوچه هایی هم که در آن بازی کرده بودند جابجا بیان میکردند و از خاطرشان رفته بود. من از دو سالگی خود محیط پیرامون زندگی ام را بیاد دارم. حتی رفتارهای آدمهای دوربرم. از مجموعه خانوادگی خود گرفته تا اقارب همه اتفاقات باغملا را در همراه خود دارم.

– تفاوت فضای هنری در سال های گذشته با امروز در چیست؟

– هنر اگر مردمی باشد، مردم را همراه خود می کند. فرق نمی کند که در سال گذشته باشد یا امروز یا فردا توجه داشته باشیم مردم آن چیزی را باور می کنند که باور داشته باشند.

– برای تقویت فرهنگ دینی در جامعه چه باید کرد؟

– برای رفتن به پشت بام از پله ها باید عبور کرد. وقتی رسیدی به بالای پشت بام و نفس راحتی کشیدی ، پله ها را خراب نکن که یک راه بیشتر برایت باقی نمی ماند. فرهنگ یک شبه شکل نگرفته. بلندای بلندی دارد با همه ی فراز و فرودهایش. اگر از من سؤال کرده اید که چه باید کرد. صادقانه بگویم تنها یک راه مانده. مهربانی را دعوتی دوباره کنیم. در غیر اینصورت با نامهربانی که در وجودمان راه داده ایم مثل خوره همه ی حوزه های معرفی را می خورد حتی خود، خودت پسچرک دلی و بار سنگین تنها به خود نگاهی را از خود دور کنیم و درس هم فهمی و هم خواهی را بهم یاد دهیم.

– توصیه شما برای جوانان که می خواهند در عرصه های هنری فعالیت کنند چیست؟

– این حوزه با هر حوزه دیگر اجتماعی فرق دارد. اگر قصد ورود به این حوزه دارند باید با احتیاط وارد شوند، عاشق باشند، و با مردم عاشقی کنند.

– باغملا ؟

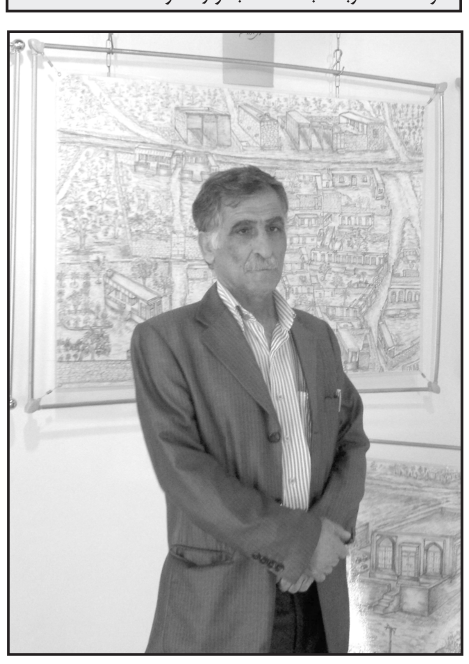
– اگر ۴۰ سال قبل باغ ملا سوخت و دامنه ی سوختنش به باغ شیخ ابول رسید و لیل ها و جفره که بازوهای آن بودند از او گرفته شد. و به راستی دریا چقدر تنبل بود و مردم بوشهر چقدر بی نگاه از سوختن ما، اگر همه دست بلند کرده بودند، امروز منِ سوخته زادگاه، در باغ ملا سر سبز همشهریانم را در زیر سایه سار خنکای درختانش به میهمانی دعوت میکردم با خنده و سرور. نه اینکه اینجا با آه و حسرتِ هر آنچه سوخت. نگذاریم دامنه سوختن به عمارت ملک، بافت قدیم (چهار محل) و دیگر نقاط برسد. که بوشهر تنِ سوختن باغملاهای دیگر را ندارد. به قول معروف اگر هوسن همین یکی بسن. نگاهی به شهر ونیز کنیم آنجا ریشه در آب دارد و چه پایداری و استواری. اینجا در شهر ما بافت قدیم که آبروی شهر و دیار ماست روی خشکی هر روز شاهد فرو ریختن بخشی از قامت بلند او می باشیم.

– نمایشگاه چگونه گذشت؟

– نمیدانم با چه زبانی از مجموعه ی عاشقان هنر حوزه هنری تشکر کنم که در کنار من این چند روز تحمل اشک ریختن برای پیدا کردن گمشده ی کردند. و پذیرائی آنها از گمشده خود. مانده ام که با چه طلایی طلاتر از طلا این محبت آنها را جبران کنم. شب اختتامیه شاید ماندگارترین، شوق و ذوق زده ترین روزگار زندگی من بود. که در طول عمری که کشیده بودم تا کشیدم باغملا را به تصویر. محبت و حس غریب دیدار همشهریان از باغ ملا پاکنی بود که همه ی آلام دوران زندگیم را با همه ی در هم تنیده بودنش را با اشک های خود پاک کردند و برای ادا و جبران این محبت قول میدهم در آینده ای نزدیک شما را در سالن های نمایش بوشهر دعوتی دوباره کنم تا زیر سایه سار کُنار و بابلهای باغ شیخ ابول و باغ ملا سفره ی دلمان به شادی با هم پهن کنیم. و به بچه هامون بگوئیم حالا بیایین بازی کنین و بخونین جی جی سنگ ترازی بچه ها بیاین به بازی.

– وکلام آخر؟

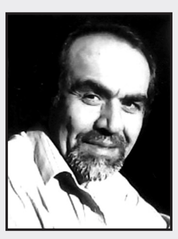
– سال ۱۳۵۰ مصادف بود با کوچاندن اهالی باغ ملا و باغ شیخ ابول. من سپاه دانش بودم و محل خدمتم نور آباد ممسنی بود. روستای مال محمود یکی از روستاهایی بود که در آنجا مشغول به خدمت بودم. انگار باغملای دیگری فتوکپی کرده بودند تا من با محبت های بی شمار مردم آن روستا فراموش کنم غم و غصه ی از دست دادن زادگاهم. بعد از چهل سال که آن روستا هم بلوک های سیمانی بجای دیوارهای کاه گلی اش با آن زیبای هایش نشسته بود را به تصویر کشیده ام تا جبران کنم ذره ای از محبت های بی شمار آن مردم که هنوز هم فراموشم نکرده اند. وقتی تصویر روستای ۴۰ سال گذشته اشان پیش رویشان گشودم بچه هایی که بچگی شان در خانه های کاه گلی جا گذاشته بودند حسرت آن روزها را می خوردند.



www.nimdari.com

دموکراسی خواهی دروغین شیوخ عربی

اسماعیل بهبهانی



در حکایتی قدیمی آمده است که: بزغاله و بره ای در گله ای با هم روزگار می گذراندند. در مسیر روزانه گله نهر آبی بود و ادامه مسیر مستلزم پریدن از روی آن. روزی هنگامی که بره از روی نهر آب پرید بر اثر حرکت شدید، دنبه اش بالا رفت و بزغاله بع بع کنان فریاد کرد که :دیدم!دیدم! بره نگاهی به او کرد و گفت: شب و روز بدون نیاز به پریدن و جهیدن همه جای تو پیداست و کسی به روی تو نمی آورد. حالا که یک بار دنبه ی من بالا رفت، تو این همه هیاهو و جنجال می کنی!؟شرایط امروز کشور سوریه و هماهنگی و همصدایی کشورهای عربی منطقه با بعضی از کشورهای غربی برای فشار به حکومت بشار اسد برای ساقط کردن او به یکی از مهمترین خبرهای سیاسی روز تبدیل شده است. اینکه نیت و هدف کشورهای اروپایی و آمریکای از مخالفت با حکومت سوریه و حمایت از مخالفان آن چیست؟ و چرا به یکباره دلسوزمردم سوریه شده اند؟ موردبحث ما نیست. آن چیزی که بسیار جالب است رفتار وگفتار سران کشورهایی مانند : عربستان سعودی– قطر– بحرین– کویت و دیگر کشورهای منطقه خلیج فارس است. پادشاه عربستان که نماد حکومت قبیله ای در دنیاست وهیچ اعتقادی به «رای» و انتخابات در کشور خود ندارد. یا امیر قطر که هیچ صدای مخالفی را بر نمی تابد و یا پادشاه بحرین که با شدت اعتراض های مردمی در کشورش را با حمایت عملی حاکم عربستان سرکوب می کند و یا دیگر شیوخ منطقه که جز با حمایت قدرت های غربی امکان تداوم حکومت استبدادی خود را ندارند، به یکبار عاشق دموکراسی و مردم سالاری می شوند و برای مردم سوریه دلسوزی می کنند و یخه جر می دهند. آزادی و مردم سالاری حق مردم سوریه است و آنان نیز مثل همه مردم دنیا حق دارند از مواهب آزادی و دموکراسی بهرمند باشند و حاکم خود را با روشهای دموکراتیک برگزینند. حکومت سوریه نیز راهی جز تغییر شرایط سیاسی و اعمال اصلاحات ندارد که در غیر این صورت بشار اسد نیز به سرنوشت بن علی – مبارک – قذافی – عبداله صالح و دیگر دیکتاتورهایی که صدای مردم خود را نشنیدند و یا نمی شنوند، دچار خواهد شد. اما آزاد خواهی و دموکراسی طلبی شیوخ عرب برای مردم سوریه، داستان ابتدای مطلب را تداعی می کند. به قول عبید زاکانی در منظومه «گربه و موش»:

مژدگانا که گربه عابد شد / عابد و زاهد و مسلمانا

باغمُلا

ابوالقاسم محمدی باغملایی

چند قدم مانده به شهر بوشهر
پشت دیوار بلند سیم و خار
ده ما، مانده اسیر
ده ما, مانده غریب
روبرویش به افق
دو قدم مانده به دریا
جفره و جفره ای ها
اگرم عیشی بود، عیش هم عیشِ اونا
راه دوری که می رفتیم هر روز
بر افتو
زیر دیوار بلند حاج رئیس
بوی ناشتائی و دفتر، بوی تند جوهرِ مانده ته شیشه دوات
درس بود و مشق بود و ترکه ی یخ زده و تاول دست و کف پا
پشت سرآن ده ما
لیل ها ، باغ بوستانی و اندربندر
چاه اُ ندر ُبندر,آب خنکی داشت
چه شیرین آبی
رو به هیرون
نخل و نخلستان ,باغ سیدا
عید نوروز
چهار مدِور ده ما
مزرعه و مزرعه ها
گل شب بو ، گل اسب ،گل قاطر ، گل سوتل
رقص باد و خوشه ی گندم و جو
زیر هر نخل و کُنار
پهن بود سفره و چاق بود قلیون مردم
تِش پیشی
کِل بیتی ، شپکی ، رقص و آواز دِسی
باغَملا ، ده ما
خانه هایش همه از مهر و صفا
شب و شب های زمستون
قصه های بی بی جون
نم نم بارون ، صدای شرشر بارون توی ناودون
فصل شرجی و گرما
روی لوکه ، تو کپر
فصل خرما ،نخل و نخلستانش
سر به زیر و پربار
سایه اش روح نوازِ تن هر خسته به راه
دست هر رهگذری برپنگش
پنگ زینی ،پَنگ کبکاب ، پنگ گَنتار
چند چاهی که چهابش می گفتند
از سحر ، وقت خروسخوان
چرخش چرخ و میلَک
رقص بندک و شاه بند تو هوا
رقص عامو َسن (عامو حسن)
در گارو و گاو
گاو گر خسته میشد
عامو َسن خسته نبود
کار بودو کار
با بَرو بار
سنگ بُرها ظهر جرینگ
خسته از ضربه ی حربه ومنتیل به سنگ
شب مهتاب
روی پشت بام خونه ها
دورهم جمع میشدن
شروه خون ، شروه می خوند
قصه گو , قصه میگفت
قصه ی غولک و غول قصه ی جن و پری
مردمانش همه از یک رگ و پی
خورد و خوابیدنشون باهم بود
گر کسی اهل محل تب میکرد
همه ی اهل محل تب دار بود
مثل کندوی عسل
خواب نداشت ده ما
باغملا
مرد و زن، پیرو جوان
شب و روز، در پی کار
در دل مزرعه و معدن سنگ
یا بدنبال حشم
چه صفا داشت باغِ ملا، ده ما
خرمنش خرمن بود
همه فصل، بخصوص فصل بهار
گر کسی عیشی داشت
همه را دعوت بود
شب مهتاب
رقص نور توی خرمن و خرمن جایش
بر تلِ گندم و کاه
روی براِ که می خواند بُرّاچی
هی همه هی، این همه جا،هی همه هی
این همه گندم و جو این همه کاه
بهر بوام ،بهرِ کاکام ،بهرِ خودم
هی همه هیِ، این همه جا، هی همه هی
بچه های ده ما
تنگ غروب
می پریدن تو هوا
تو کیچه و پس کیچه ها
دادو فریاد می زدن
جی جی، سنگ ترازی
بچه ها، چی بخورین ،بیاین به بازی
شب که به نیمه می رسید
بچه ها خرد و خمیر
خواب فردا شب و شبهای دگر غافل از آن شب شوم
صبح بعد از شب شوم
مردم آن ده ما
پیش روی همه ی اهل و عیال
همه ی دارو ندار
همه ی خاطره ها
همه ی هستی آن ده ما
دیو بد سیرت و زشت
داد به باد
اربعین آن سال ماند در خاطر و خاطره ها
نوحه خوان , اهل محل بود
قطع کرد نوحه ی خود
دست بر زانو و چنگ در خاک
مشتی از خاک به سر
نوحه ای خواند ز فراق ده ما
زن و مرد، پیرو جوان
دست بر گردن هم نوحه خوان ، ناله ای سر داد و بخواند:
قصه ی پر غصه ی ما
ده ما، غصه بدل ، خاک بسر، زانو بغل ، اشک بریخت
اهل محل به فراق ده خود
یقه دریدند و بگفتند:
بچه هامون دیگه در خواب ببینن که بخونن:
جی جی ، سنگ ترازی بچه ها بیاین به بازی

مردم آگاه و شجاع شهرستانهای دشتی و تنگستان
برخود لازم و واجب دانستیم به پاس تلاشها و
پیگیریهای موثر

حضرت حجت الاسلام والمسلمین پورفاطمی،

نماینده شما در دوره های ششم، هفتم و هشتم مجلس شورای اسلامی، در امر توسعه پایدار حوزه انتخابیه و همیاری و همکاری صمیمانه و مستمر ایشان با حوزه های صنعت، معدن، تجارت و کشاورزی که در مقاطع و مراحل متعدد نمود عینی و ملموس و موثر بر جای گذاشت، مراتب حمایت و پشتیبانی کامل خود، جهت انتخاب مجدد ایشان به عنوان نماینده مردم شریف حوزه انتخابیه دشتی و تنگستان در انتخابات مجلس نهم اعلام نموده و از مردم قدرشناس استان بوشهر نیز بخواهیم که با رأی خود، این فرزند راستین استان بوشهر را یاری دهند. باشد که با همدلی و همکاری همگانی، استانی آباد تر و توسعه یافته تر را شاهد باشیم.

جمعی از صنعتگران، معدن کاران و بازرگانان استان بوشهر





مردم آگاه و شجاع بوشهر، خارگ، گناوه و دیلم
بر خود لازم و واجب دانستیم به پاس تلاشها و
پیگیریهای موثر

جناب آقای غلامعلی میگلی نژاد،

نماینده شما در دوره هشتم مجلس شورای اسلامی، در امر توسعه پایدار حوزه انتخابیه و همیاری و همکاری صمیمانه و مستمر ایشان با حوزه های صنعت، معدن، تجارت و کشاورزی که در مقاطع و مراحل متعدد نمود عینی و ملموس و موثر بر جای گذاشت، مراتب حمایت و پشتیبانی کامل خود، جهت انتخاب مجدد ایشان به عنوان نماینده مردم شریف حوزه انتخابیه بوشهر، خارگ، گناوه و دیلم در انتخابات مجلس نهم اعلام نموده و از مردم قدرشناس استان بوشهر نیز بخواهیم که با رأی خود، این فرزند راستین استان بوشهر را یاری دهند. باشد که با همدلی و همکاری همگانی، استانی آبادتر و توسعه یافته تر را شاهد باشیم.

جمعی از صنعتگران، معدن کاران و بازرگانان استان بوشهر

نسیم جنوب ۷
ورزشی
شماره ۶۵۳ - یک شنبه۷ اسفند
NASIM JANOUB

فوتبال بوشهری، نگرش نوین می خواهد

مجید اصلانی



در مقاله شماره قبل نسیم به ساختارسازی و دانش افزایی مدیریت فوتبالی که نیاز فوتبال بوشهری هم همین است پرداختیم و این هفته به خلاصه سوالات و راه حل ها در حد توان می پردازیم
یکی از سوال های مهم در فوتبال ما این است که مدیریت ورزش و فوتبال در سطح کشور(که فوتبال بوشهری متاثر از آن می باشد) قبل از شروع مسابقات فوتبال لیگ برتر جام خلیج فارس و پس از آن (سپری شدن ۱۱ فصل) چه روندی را طی کرده و چه عملکردی را داشته است؟ آیا ساختاری به وجود آمده ؟ چنان چه به وجود آمده ، اجزا آن پویا ، ثمربخش ، هماهنگ وتاثیر گذار بوده است؟ اکنون مدل و ویژگی فوتبال ملی وحرفه ای ما چیست؟ چند باشگاه دارای مدیریت صحیح و متعهد به اخلاق حرفه ای ونظام مند فعالند وخصوصیات آن ها کدامند ؟ وچه ارزیابی وسنجشی از آن ها در آرشیو آماری فوتبال ملی داریم ؟ از طرفی می بینیم که حرف و حدیث پیرامون ورزش و فوتبال ما و دخالت های مستقیم و غیر منطقی وزارت خانه ورزش و سازمان های اداره کل ورزش و جوانان در فدراسیون فوتبال و هیات های فوتبالی استان ها گسترده و غیر عقلانی است ، گستردگی تنش ها و عدم تعامل مناسب بین مدیران کل ورزش وجوانان و روسای هیات های فوتبالی به حدی زیاد است که علل و عوامل اصلی فوتبال مجالی برای بحث وبررسی برای برون رفت از مشکلات کنونی نمی یابند و ما می بینیم که حواشی فوتبال از ناحیه برخی رسانه ها در غوغاسالاری ها ، خودبینی ها ، فخر فروشی ها ، برد و باخت های پیش بینی شده دامن زده می شود تا فوتبال مان به قولی کثیف قلمداد گردد . که تاکنون لطمات زیادی از این ناحیه به فوتبال ملی خورده است . و ادامه این روند در همین لیگ یازدهم و انتخابات فدراسیون فوتبال هم چنان باقی ست و ظاهرا معجزه ای هم قرار نیست اتفاق بیافتد مگر این که به عقل و منطق رجوع شود و ریشه ای و با خرد جمعی و بانیت سالم به فکر سلامت جوانان وفوتبال ملی باشیم همه خانواده فوتبال در صدد چاره



اندیشی باشند و برخورد جزیره ای با این موضوع صحیح نمی باشد و نیاز است که نمایندگان درخانه ملت بازنگری قانون در امر ورزش داشته باشند.
مهم ترین راه حل مشکلات فوتبال ما اول، بریدن دست مافیای فوتبال می باشد. و همگی اخیرا پی به افشا گری ماهیت یکی از این دلال های فوتبال دست یافتیم که پرونده نام برده در هیات رسیدگی به تخلفات حرفه ای فوتبال ایران مفتوح و اتفاقا ایشان در بستن و یارگیری اول فصل باشگاه شاهین بوشهر نقش محوری و کارگزار اصلی داشته است. دوم ، کاهش دخالت سیاست و سیاست بازان در امر فوتبال است چه ملی و چه منطقه ای و سوم هدایت و نظارت و آموزش خبرنگاران ورزشی با گرایش مهندسی فوتبال است و هم چنین نظارت برمحتوای مقالات و نوشته های بی ارزش و کم ارزش و سطحی فوتبالی که همین ها موجب به وجود آمدن یکی از اضلاع مثلث سیاست ، پول ورسانه گردیده اند ولی هستند رسانه هایی که همواره در مواقع پر تنش و بحرانی و یا چیرگی یاس و نا امیدی در جامعه ورزش به موقع ورود کرده و می کنند و تا تعادل وتوازن برقرار و موجب غرور ملی شوند و نشاط و امید را به جامعه جوان ورزش تزریق می نمایند و به شایستگی به داد فوتبال می رسند در ادامه پیشنهاد می گردد در همین راستا نگرشی بینش گرانه به فوتبال جنوب اختلافات و نظریات ومنافع شخصی بین اداره کل وهیات فوتبال کنار گذارده شود و تعامل برقرار گردد سرنخ های تنش زا شناسایی واز آن فاصله یابند . مدیریت زمین ورزشی شهدا به هیات فوتبال واگذار شود تا به عنوان پایلوت پیش زمینه آکادمی توسعه فوتبال پایدار و ویژن ایران وآسیا در سال ۹۱ کلید بخورد ودر آینده نیز از این طرح بزرگ فوتبال ملی منتفع گردد . بحث های اساسی مشکلات فوتبال بوشهری در عرصه رسانه ها و اداره کل ورزش وجوانان ، رادیو وتلویزیون ، دانشگاه خلیج فارس ودانشگاه آزاد و همه دست اندرکاران باشگاه ها وتیم ها ، مدیران و مربیان فوتبال طرح موضوع تا به تدریج رفع مشکل گردد و فوتبال بوشهر به جایگاه برجسته کشور ارتقا بیابد و جوانان بوشهری به شایستگی در تیم های ملی بدرخشند امید است آینده شاهد به وجود آمدن یک فوتبال جنوبی شیک ومقتدر وبا کیفیت فنی قابل اندازه گیری باشیم که دارای پشتوانه قوی اندیشه وساختار مدیریتی دل سوز وصحیح است که ایران سرافراز به آن می بالد .

وثیقه گذاشتن املاکِ باشگاه شاهین، ممنوع

محمد محبوبی



ای مجیب و الرحمن: با کرنش و رکوع و سجود و استغاثه به درگاهِ فخیمانه ات ، و با علم و باور و اعتقاد و ایمان بر اِشرافیت و دانائی و توانائیت بر همه امورِ جاری و ساری در رموزِ خلقت جهانِ هستی ، از بارگاهِ پر فیض و آسمانیت ، عاجزانه ، خاضعانه و خاشعانه استدعا دارم ، باشگاه شاهین را که چون کشتی طوفان زده ای در اقیانوس ضعفِ تدبر دچار است ، از دست و زبان ناتوانان به خود غرّه نجات دهید ؛ زیرا علاوه بر همه نابسامانیهای متوجه باشگاه ،آنچه از آقای افراشته رئیس هیئت مدیره شاهین در گفتگو با ابراهیم قاسمپور بمنظور گزینش نامبرده به مربیگری باشگاه خواندیم ، ایشان شرطِ پرداخت دستمزد او و بازیکنانش را منوط به موفقیت در امر وثیقه گذاری املاک شاهین در بانکها جهت دریافت وامی میلیاردی اعلام کرده بود که اینِ موضوع ، موجبات نا امیدی ، رنجش و نهایتاً انصرافِ قاسمپور از مربیگری باشگاه را به همراه داشت .
بار الها : تو می دانی و خود در سالهای دور ، ابرمردانی را بر شاهین حاکم کردی و نسل به نسل تا به امروز که به دقت و صحت ۶۵ سال از عمرش می گذرد ، محفوظش نگهداشتی ، امّا امروز افراشته ای از راه رسیده است و بی خبر از دنیای فوتبال ، از سرِ ناتوانی قصدِ به وثیقه گذاشتن املاک باشگاه را در بانکها دارد تا وامی میلیاردی دریافت کند و با این وامِ باد آورده شاهین را به نابودی کشانده به دسته یک فوتبال کشور نیز سقوط دهد . اگر او حاتم طاعی است پس با جرأت تمام املاک شخصی خود را به اعتبار مدیریت خویش به وثیقه گذارد ، در غیر اینصورت از این افکار در گذرند .
ای مجیر الاعظم : باز هم چون گذشته این باشگاه محبوب مردم بوشهر را از گزند نامرادیها حراست فرما .
الله الله ، به اسماءِ اعظمت قسم که : در رابطه های اموری مشابه در خصوص ورودِ مخاطرات بر باشگاه شاهین ، به هر کس گفتیم و نوشتیم و از موی سپیدان شاهین نیز استمداد طلبیدیم ، لیک ؛ ناجیِ رفع خطرات را نیافتیم پس :
یا ربّاً ؛؛ به تو پناه می بریم و ، سرِ تعظیم بر آستان قدسیه ات، مستمندانه می سائیم و رفع خطرِ را از تو طالبیم و از تو یاری می جوییم ، زیرا با تأسف ، باشگاه مدیرعامل دارد ، امّا دیگران و رئیس هیئت مدیره خود سرانه در اقدامی و نگاهی ، تصمیمی نابود کننده بر باشگاه دارند و مدیرعامل تنها بر مسندی نظاره گر است .
خداوندا : وثیقه گذاران را به راه راست و صراط مستقیم هدایت فرما ، زیرا آنها را بر فوتبال شناختی نیست تا تقدم و تأخر در وجود وهستی و نیستی ، واقعیت و حقیقت وجودی باشگاه شاهین را به عنوان یک مکتب انسان سازی در ورزش بدانند . خدایا ؛ بر خرد و عقل و درایت آنها بیفزای و نور هدایتت را بر آنها آشکار فرما که نابینایانی بیش نیستند .
الهی : به بنیانگذاران و بزرگانِ این باشگاه که حّی و حاضر و در قید حیاتند و توانمند ، جرأتِ مداخله ، جسارت در پیشگیری ، تعهد در ممانعت از برچیدن سنگ و خشتِ گران سنگ و ارزشمند باشگاه شاهینی را که با عصاره عمر و جان و مالِ خود ساخته اند و از پیشینیان خود به ارث برده اند ، عنایت فرما ، تا راههای وثیقه گذاری بر افراشته را مسدود کرده سلب اختیارات مشار الیه ها را رقم زنند، چراکه ، پرداخت اقساطِ میلیونی ماهیانه وام مذکور در قدرت افراشته و همفکرانش نیست و باشگاه به مصادره خواهد رفت .
بار الها : به پیشکسوتان شاهین ، افزایش ضریب مسئولیت پذیری ، خود باوری ، ارزشگذاری برخود و عمر نثار ساخته خویش در حراست از باشگاه ، باور و ایمان بر مکتب شاهین شان را عنایت کرده عِرق شاهینی در آنها را که زنده است بیدار فرما تا به مبارزه با پدیده شوم وثیقه افراشته بپا خیزند .
معبودا : به هوادارانِ پرشور و دلسوز ، این سرمایه های جاودان باشگاه شاهین ، بصیرت و قدرت تشخیص و شناخت منفعت طلبان و تفکیک آنان از حامیان اصیل باشگاه را مرهمت فرما تا آنها نیز با قدرت فزاینده خود افراشته و یارانش را در مسیر حرکت نابود کننده باشگاه ، با وثیقه گذاری متوقف سازند ، زیرا او با ندانم کاریها ، سعی در مطرح کردن خود را دارد ، امّا غافل از آنکه اگر چنین کند ، نام نیک را از قامت خود زایل نموده گناه نابخشودنی خود را پاسخگو نخواهد بود .
ای عزوجل حق تعالی : به همان شش روز آغازین خلقت که آسمانها وزمین را آفریدی قسم یاد می کنم که ؛ معمولاً مدیران باشگاههائی که هنگام بدست آوردن پول زحمتی را متحمل نگردیده از مصونیت پرداخت برخوردار و مبرایند ، در هزینه کردن آن پولها دقتی بخرج نخواهند داد. بدون شک ، درصورت جذب چنین وام میلیارد ریالی، از سازندگی تیمهای پایه شاهین نیز خبری نخواهد بود .
پروردگارا : نگارنده خود آگاه و واقفم که مسولین سازمان ورزش و جوانان بوشهر میدانند که ملک مورد نظر اوقافی است و آنها خود طی قراردادی هشت ماده ای آن را فقط و فقط جهت استفاده در امور ورزش و بطور موقت به باشگاه واگذار نموده اند، لذا ، قابلیت وثیقه گذاری را ندارد ، امّا ...چرا؟.... پس ضریب یادآوری و تعهد آنها در حفظ و حراست از امانت ملک اوقافی باشگاه را بیفزا تا با پدیده شوم وثیقه افراشته غلبه کرده مانع شوند .



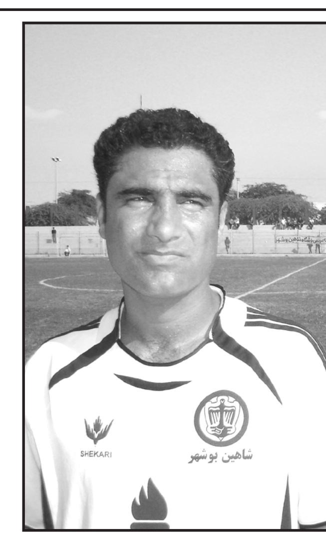
الله اکبر ؛ تَوَکلت الاالله ، اَلهمَّ رَبَّ النّورِ العَظیمِ وَ رَبَّ الکرسیّ الرّفیع وَ رَبَّ البَحرالمَسجور
ای خدای بزرگ ، ای پروردگار کرسی بلند و دریای جوشان، تو روحِ بی تفاوت هیئت موسسِ باشگاه راکه در اساسنامهِ بالاترین مرجع تصمیم گیری ثبت گردیده در جسم و جانشان بلرزان و از خواب غفلت بیدارشان ساز و بر تعهدشان در حراست از میراثِ گذشتگان باشگاه شاهین در برابر قرارداد ننگین و بنیان برانداز وثیقه افراشته بیفزا تا مجریان احتمالی را از انجام وثیقه منصرف سازند .
خدایا ، خطر در کمین است ، ای دانای دانایان و ای توانای توانمندان ، در رفع این زلزله خانمانسوز ، باشگاه شاهین را ناجی باش .
ای عزت ده عزتمندان : بر عزت و قوای تفکر شاهینی های اصیل فزونی بخشیده بیدارشان ساز تا وثیقه افراشته را نپذیرند، زیرا در یک دم پشیمان می شوند و روح اسطوره های در گذشته و متوفای شاهین را در خاک گور می لرزانند.
ای خالق هستی : فکرِ بکرِ افراشته و یارانش را در پول آوری به باشگاه به شیوه ای اصولی تر و روشی عقلائی تر معطوف بدار تا شاهدِ محو تابلوی زیبا و سراسر خاطره انگیز باشگاه شاهین نباشیم که او را صاحبانی است اصلی و آنها مردمند .
ای ملک العرش جهان هستی : ای وجود ذی وجودِ فنا ناپذیر، تو به افراشته آگاهی آن ده و به ایشان بیاموز که او در باشگاه شاهین مدیر نورسته ای بیش نیست؛ پس اجازه ندارد و از قدرتی برخوردار نیست تا باشگاه مردمی شاهین را به انحلال بکشاند. خدایا ، او را متنبه ساز تا به این میراث ۶۵ ساله ای که با عصاره جانِ هزاران ابر مرد عاشق همچون شیشه در بغلِ سنگ نگهداری شده است آسیبی نرساند .

سرمربی ایرانجوان بوشهر:
آقای مارکار حق جوانان تیم ایرانجوان چه می شود ؟!



سینا درخشنده : مارکار آقاجانیان سرمربی تیم زیر ۲۳ سال ایران اسامی ۴۸ بازیکن را برای حضور در اردوی تیم ملی جهت شرکت در رقابتهای قهرمانی آسیا اعلام کرد.
در کمال تعجب و تاسف در لیست منتشر شده نام هیچ بازیکنی از بوشهر به چشم نمی خورد.
عبدالرحیم خرمزی سرمربی موفق ایرانجوان بوشهر که تیمش در عین ناباوری و با کمترین هزینه موجود در کورس مدعیان جدی صعود به لیگ برتر قرار دارد در گفتگو با فوتبال بوشهر ضمن گلایه شدید بابت عدم دعوت بازیکنان جوان تیمش گفت: از مارکار به عنوان یک فوتبالیست با اخلاق و ملی پوش گذشته این فوتبال تعجب می کنم! مگر می شود تیمی در کورس رقابت با تیمهای بزرگ و متمولی همچون پیکان ، شهرداری بندرعباس، فولاد یزد، استیل آذین ، گسترش تبریز عملکرد خوبی را به نمایش گذاشته باشد اما هیچ کدام از بازیکنان آن در جمع ۴۸ نفر دعوت شده قرار نگیرند. خرمزی تأکید کرد: پیش از بازی حساس مقابل سایپا شمال این یک شوک به تیم من بود، ایرانجوان علاوه بر بازیکنان با تجربه ای که امثال عصای دست من شده اند چندین جوان آینده دار نیز رو کرده که هرکدام می توانند به راحتی در لیگ برتر فوتبال ایران بازی کنند و این نشان دهنده پتانسیل بالای فوتبال غنی بوشهر است. مهدی چاهکوتاه زاده، ابراهیم صالحی، میلاد فیاض بخش، حسین پورامینی، سجاد جلیلی و ..... حتی دانیال ماهینی که سابقه حضور در تیم ملی جوانان ایران را دارد از جمله بازیکنان زیر ۲۳ سال تیم من بوده اندکه به لطف حمایتهای مسئولین و مردم بوشهر عملکرد بسیار خوبی را از خود به نمایش گذاشته اند. پس حق اینها چه می شود؟! به مربی محترم تیم ملی می گویم این جوانان لایق بوشهری از همین حالا پیشنهادهای زیادی برای فصل آتی دارند اما دعوت و حضور در اردوی تیم ملی فوتبال ایران افتخاری دیگر است، جوانان شایسته بوشهری کجا باید دیده شوند و به حق خود برسند؟!
اینها از شهر و تیمی می آیند که در گذشته حسین ماهینی، مهدی کریمیان، مهرداد کریمیان، محمود خرمزی، مسعود نظرزاده ، ایمان حیدری، رضا ملاح زاده، شهید امید نسترن و .... را به سطح اول فوتبال ایران معرفی کرده!
وی ادامه داد : از تیمهایی که برای ماندن در لیگ دسته اول تلاش می کنند بازیکن دعوت می شود اما از تیم با انگیزه من که یکی از شگفتی سازان این فصل لیگ یک بوده نام کسی دیده نمی شود! این در حالی است که به جرأت می توانم بگویم نام ۵ بازیکن اصلی و زیر ۲۳ سال من می توانست در میان دعوت شده ها باشد.

شورش رضا بازیاری آنالیزور شاهین :
افراشته نمی دانست با چه گرگ هایی طرف است
در مقابل خیانت آقایان سکوت نمی کنم



رضا بازیاری کاپیتان سابق شاهین بوشهررا دوستداران فوتبال به خوبی می شناسند چه در میدان ورزش و چه بیرون از ورزش و در بین مردم این استان الگویی به تمام معناست. امسال او را به اجبار از فوتبال بازی کردن خداحافظی دادند تا به جرگه ی مربیان بپیوندد. در آغاز فصل وقتی حمید درخشان آمد بازیاری را به عنوان دستیار معرفی کرد اما در عمل اینگونه نبود بعد از رفتن درخشان و آمدن فیروز کریمی، بازیاری آنالیزور شاهین شد. الان پس از آمدن مجدد حمید درخشان رضا بازیاری گویا به مهره ی اضافه تبدیل شده است.
در حالی که همه ی بازیکنان و کادر فنی شاهین بار سفر بسته اند و آماده حضور در اردوی ترکیه می شوند این مربیِ بومی از قافله جا مانده است. البته رضا بازیاری نه به خاطر بی اعتنایی مسئولین باشگاه شاهین بلکه به دلیل بی احترامی به نیروهای بومی فوتبال استان درد دل هایی داشت. او در مصاحبه با گلٍ گفت: «به خاطر شرایط خاص شاهین فعلاً از گفتن خیلی چیزها پرهیز می کنم ولی مردم فهیم بوشهر بدانند که در موقع خاص همه حقایق را خواهم گفت. فوتبال دوستان بوشهری و عاشقان واقعی شاهین خیلی موارد را که در این باشگاه اتفاق میافتد و بنده اسم این وقایع را جنایت و خیانت به فوتبال استان می نامم نمیدانند! این مطالب را مختصر را بیان می کنم تا کسی نگوید چرا بازیاری از اول این حرفها را نزد خدا را گواه میگیرم فقط و فقط به خاطر حاشیه نرفتن تیم و شرایطِ خاصش که همه هم از آن آگاه هستیم فعلاً سکوت میکنم تا افراد سود جو نگویند بازیاری باعث این حاشیه ها شد.به موقع خیلی چیزها را که در این باشگاه اتفاق افتاده و دارد میافتد برای همشهریان عزیزم بازگو میکنم و از خداوند بزرگ میخواهم و دعا می کنم که تیم در لیگ برتر بماند تا افراد سودجو نگویند حالا که تیم به لیگ یک سقوط کرد (که ان شاءا... این اتفاق نخواهد افتاد) چرا حرفهایت را می زنی. فقط خواستم حرفهایی را که گفتم سندی باشد برای این که میخواستم سخنانم را بیان کنم ولی باز هم میگویم فقط به خاطر شرایط خاص شاهین در حال حاضر سکوت میکنم.
او در ادامه گفت: «آقایان فراموش کرده اند «رضا بازیاری» در سالی که تیم به لیگ برتر صعود کرد به تنهایی هیجده امتیاز و آن هم با گلهایی در دقایق ۹۲،۹۴،۹۷ برای باشگاه بزرگ شاهین به ثمر رسانده یعنی یک سوم تمام امتیازات فصل. الان به جایی رسیده اند که میگویند «رضا بازیاری» و یکی دو نفر دیگر از بچه های بوشهری را به خاطر شرایط مالی شاهین به اردوی ترکیه نمی بریم. من مثل بعضی ها نیستم که با پارتی بازی وارد تیم شوم. از اول فصل بنده را به عنوان کمک دوم می خواستند، صحبتی که آقای درخشان با من کرد ولی بعدها رفتارهای عجیبی دیدم. بنده خارج نرفته نیستم که بگویند فلانی به خاطر خارج نرفتن این حرفها را می زند. خدا را شاهد می گیرم که از خیلی چیزها گذشتم و خیلی چیزها را نادیده گرفتم تا تیم موفق شود ولی دیگر نمیتوانم سکوت کنم چون آقایان دارند به مردم استان و باشگاه شاهین خیانت می کنند.»
بازیاری برای حرفهایش دلیل رو می کند: «بروید از برادران کریمیان، حسین ماهینی، مسعود پالیزدان و... بپرسید چرا به فوتبال بوشهر بر نمیگردید؟ بنده به مدت ۲۰ سال فوتبال بازی کردم و به عشق مردم استانم در همین شهر خدمت کردم نان بازویم را میخورم نه زبانم را. بروید از برادران عبدا...زاده (حاج رضا و حیدر) بپرسید که چه دل خونی از مسئولین باشگاه شاهین دارند. سؤالم از آقایان این است چرا هر موقع صحبت از امکانات و پول می شود سهم بوشهریهای از همه کمتر است! بروید بپرسید چه به سر «مهدی طارمی» آوردند که امسال فوتبالش نابود شد. چرا باید «میلاد صارمی» که سال قبل در لیگ برتر بازی می کرد امسال کارتش هم صادر نشود.
چه کسانی می خواهند جوابگو باشند. بروید بپرسید چه به روزگار «ایمان حیدری» آوردند که عطای بازی کردن در بوشهر را به لقایش بخشید. ببینید آقایان چه به روزگار شاهین آوردند که بعد از سه سال حضور در لیگ برتر هنوز هم باید هفته های پایانی درتب و تاب این باشیم که می مانیم یا سقوط می کنیم. تا چه زمان باید برای ماندن شاهین در لیگ نذر و نیاز کنیم؟ مگر تراکتورسازی تبریز همزمان با شاهین به لیگ برتر صعود نکرد؛ آنها کجا هستند و ما کجا!»
او برای اینکه نشان دهد روی صحبتش با افراشته نیست و مدیران دیگر را هدف رفته می گوید: «من دست آقای افراشته را می بوسم که به قصد کمک به مردم بوشهر و باشگاه شاهین پا پیش گذاشتند ولی نمی دانستند با چه گرگهایی طرف هستند. فوتبال بوشهر بیمار است و تا این آقایان بالای سر این تیم هستند باشگاه شاهین بهتر از این نخواهد شد و فقط دنبال منافع خودشان هستند به هیچ چیز دیگر فکر نمی کنند حتی آبروی استان. بنده بله قربانگوی کسی نیستم و نوشابه برای کسی باز نمی کنم فقط مردم فهیم و خونگرم و همه هم استانیهای عزیزم بدانند این سخنانم قطره ای از دل پر دردم در این یکی دو سال اخیر بود که بر خودم تکلیف میدانم همه حقایق را بگویم.»
او در پایان اظهار داشت: «آقایان را به خدا واگذار می کنم. اوست که به همه چیز آگاه و داناست و مجازات و پاداش انسانها دست اوست. مردم بهترین قاضی هستند و قضاوت را به آنها واگذار میکنم. در آخر یاد این جمله معروف از مرحوم «ناصر حجازی» می افتم هر چند که بنده حقیر انگشت کوچک ناصر خان هم نمی شوم.من آن گلبرگ مغرورم که می میرم ز بی آبی/ ولی با خفت و خواری پی شبنم نمی گردم.»

سرمربی تیم فوتبال شاهین بوشهر:
هدفم در شاهین بوشهر رساندن این تیم به جایگاه خوبی است که در خطر نباشیم



سرمربی تیم فوتبال شاهین بوشهر گفت: وقتی به شاهین بوشهر برگشتم که مسئولان قول دادند مشکل را حل کنند. حالا هم خیلی پیگیر هستند تا به تعهداتشان تا قبل از عید عمل کنند. هدفم از شرط گذاشتن به خاطر خودم نبود. فقط می خواهم بچه ها از این شرایط خارج شوند و به پول خود برسند تا با تمرکز بهتر برای تیم بازی کنند. یقین بدانید بازیکن وقتی تمرکز داشته باشد تیم به موفقیت می رسد.
سرمربی شاهین بوشهر تصریح کرد: با علی افراشته جلسه خوبی داشتم و قول داد که مشکلات حل شود. بالاخره یک سری راهکارهایی هست که می تواند تیم را از بحران خارج کند. من به حل شدن این مشکلات امیدوارم ولی بعضی وقت ها عده ای کارهایی می کنند که آدم ناامید می شود.
حمید درخشان در خصوصِ شایعه قهر جاسم کرارمحمد از شاهین بوشهر گفت: اصلاً صحت ندارد. جاسم کرارمحمد با من صحبت کرد ضمن این که مصدوم است. او به تیم ملی عراق دعوت شده و به کشورش رفته. امیدوارم سالم برگردد. او قهر نکرده و قطعاً اگر در شرایط خوبی باشد به ما کمک می کند.
وی تاکید کرد: نمی دانم استقلالی ها با علی افراشته چه قول و قرارهایی گذاشتند ولی وقتی بازیکنی از باشگاه پول می گیرد و باشگاه هم برایش هزینه می کند باید در اختیار باشد. من از جاسم کرارمحمد مقابل استقلال تهران استفاده می کنم. شک نکنید.
سرمربی شاهین بوشهر افزود: هدفم در شاهین بوشهر ابتدا رساندن این تیم به جایگاه خوبی است که در خطر نباشیم. سپس گرفتن جام حذفی. تمام تلاش باشگاه و بازیکنان کسب جام است. برای این جام خیلی تلاش شده و باید به سرانجام برسیم. /پانا

همه بوشهری ها دل‌نگران شاهین
فینال جام حذفی و خطر سقوط از لیگ برتر

همه استان بوشهر، از آن پیرزن فوتبالدوست بوشهری که حتی در بازی بدون‌تماشاگر شاهین مقابل تراکتور نیز جلوی درب استادیوم بی‌تاب شاهین بود گرفته تا مسئولان ارشد استان بوشهر، این روزها دل‌نگران وضعیت شاهین هستند.
پس از چندین سال تلاش، استان بوشهر موفق شد با اتکا به مدیریت، کادر فنی و بازیکنان بومی در لیگ برتر فوتبال کشور صاحب نماینده‌ای شود. شاهین، طرفداران فوتبال را از همه نقاط استان را به سمت خود جذب کرد.
وجود ظرفیتهای بی‌شمار اقتصادی در استان بوشهر خصوصا صنایع نفت و گاز و پتروشیمی می‌توانست شاهین را به یکی از بهترین تیم‌های فوتبال ایران تبدیل کند ولی نفت و گاز خیلی زود خود را از شاهین جدا کرد و بحرانهای مالی به سراغ شاهین آمد.
تغییرات متعدد مدیریتی در تیم شاهین باعث شد تا ثبات از این تیم گرفته شود و شاهد حضور مربیان مختلفی در پی این تغییرات مدیریتی باشیم. این تغییرات در کادر فنی نیز سبب شد تا بازیکنان این تیم نیز در حال رفت و آمد باشند و ساختار کلی این تیم نیز دچار تغییرات زیادی شود.
در حال حاضر شاهین یکی از حساس‌ترین مقاطع حضور خود در لیگ برتر را سپری می‌کند. حضور در فینال جام حذفی و قرار گرفتن در رده‌های انتهایی جدول لیگ برتر به خوبی حساسیت شرایط فعلی شاهین را بیان می‌کنند.
وجود لایه‌های مختلف مدیریتی در تیم شاهین، چیزی که در دیگر تیم‌های لیگ برتری خبری از آن نیست. اتخاذ تصمیمات مدیریتی از دو رکن مدیریتی یعنی هیئت موسس و هیئت مدیره و مدیرعامل باعث ایجاد دوگانگی در تصمیمات شده است.
زمانی که شاهین در رده‌های میانی و در اوایل فصل جاری که این تیم به رده‌های بالایی جدول رسید افراد زیادی بودند که در قبال این موفقیتها خود را سهیم می دانستند ولی هر بار که وضعیت شاهین به حالت بحرانی می‌رسد، همین افراد سعی در متهم کردن دیگران دارند و خود را از این بحران مبرا می‌دانند.
در شرایطی که مسائل مالی در فوتبال حرف اول را می‌زند، هواداران بوشهری تنها سرمایه‌های شاهین هستند و همین هواداران با تمام توان به تشویق تیم خود می‌پردازند و ملتمسانه خواستار توجه مسئولان و تزریق پول به این باشگاه هستند.
بی‌پولی در تیم شاهین باعث شده تا این تیم تا آستانه اعلام انحلال و یا فروش امتیاز پیش برود و این بدترین خبر برای هوادارانی است که در سرما و گرما به ورزشگاه آمدند و یا در سفرهای چند هزار کیلومتری همراه این تیم رفتند تا تیم خود را در همه مسابقات حمایت کنند.
هوادارانی که بی‌شک اگر بهترین هواداران فوتبال در کشور نباشند از بهترینها هستند. حق بوشهر و بوشهری‌ها نیست که با داشتن این همه هوادار عاشق و بهره‌مندی از این همه ظرفیت اقتصادی، به خاطر مسائل مالی بین هواداران و فوتبال لیگ برتر فاصله‌ای بیافتد.



هفته‌های زیادی تا پایان لیگ باقی مانده و اگر از همین الان کاری برای بهبود وضعیت این تیم صورت نگیرد روز به روز وضعیت بحرانی‌تر می‌شود و شاید هفته‌های بعد دیر شده و دیگر مجالی برای بهبود وضعیت باقی نماند.
استان بوشهر یکی از فوتبالی‌ترین استان‌های کشور است. هواداران مظلوم شاهین که در سرما و گرما یار و یاور این تیم بوده‌اند، کمترین تقصیر را در این وضعیت داشته‌اند و در صورت سقوط شاهین بیشترین ضرر را خواهند کرد.
با حضور شاهین بوشهر در لیگ برتر، فوتبال استان بوشهر یک جهش بزرگ داشت و شاهد پدید آمدن ستاره‌های بسیار زیادی هستیم که در بسیاری از تیم‌های لیگ برتر نیز حضور دارند و می‌توانند در آینده کمک بسیار زیادی به تیم ملی بکنند.
حضور بازیکنان بومی در تیم شاهین بوشهر علاوه بر بومی‌کردن این تیم می‌تواند هواداران بیشتری را به ورزشگاه کشانده و همچنین حضور این بازیکنان هزینه‌های به مراتب کمتری نسبت به بازیکنان غیر بومی برای این تیم خواهد داشت.
امیدواریم با ماندگاری شاهین در لیگ برتر، شاهد حضور بازیکنان بومی بیشتری در ترکیب این تیم برای فصل آینده باشیم. قهرمانی شاهین در جام حذفی بی‌شک برای همیشه در اذهان مردم این استان خواهد ماند./ مهر

دروازه بان سابق تیم ملی برای شکایت از شاهین به مجلس رفت



سعید عزیزیان دوروازه بان سابق تیم ملی و مربی دروازه بانهای فصل قبل تیم شاهین بوشهر که حکم کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال را در خصوص طلب ۳۵ میلیونی تومانی اش از این باشگاه در اختیار دارد پس از آنکه نتوانست طلبش را حتی از سازمان لیگ هم بگیرد، با در دست داشتن چک شخصی افراشته راهی مجلس شورای اسلامی شد تا از افراشته که معاون اجرایی مجلس است به حراست آن شکایت کند.

هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی

نسیم جنوب

nasimjonoub.com

- صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
- مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
- مدیر گرافیک : میثم قیصی زاده
- نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه جانبازان
- دفتر هفته نامه نسیم جنوب
- تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
- ایمیل: info@nasimjonoub.com صندوق پستی: ۱۱۹۹
- لیتو گرافی وچاپ : کارگر



پشت دروازه فوتبال

جباری به بازی شاهین نمی رسد

مجتبی جباری ستاره خط میانی استقلال به زودی زانوی خود را تحت عمل جراحی قرار خواهد داد و این یک خبر بد برای کادرفنی استقلال است. جباری از ناحیه مینیسگ دچار آسیب‌دیدگی شده است و در هفته‌های اخیر خبرهای مختلفی در مورد جراحی زانوی او منتشر شد. جباری بعد از بازی بالاتفاق عربستان در مصاحبه‌ای اعلام کرد که شاید زانویش را جراحی کند و حالا این موضوع قطعی شده است. پزشکان متخصص پس از بررسی پرونده جباری و دیدن عکس‌های زانوی او، تصمیم گرفته‌اند که زانوی هافبک استقلال را تحت عمل جراحی قرار دهند. ستاره آبی‌ها که برای استراحتی چند روزه به امارات رفته بود، اواسط هفته آینده تحت عمل جراحی قرار خواهد گرفت. مجتبی در شرایطی زیر تیغ جراحی می‌رود که استقلال شرایط حساسی در لیگ قهرمانان آسیا، لیگ برتر و جام حذفی دارد. جباری به احتمال فراوان ۲ تا ۳ ماه از میادین فوتبال دور خواهد بود و این بدترین اتفاق ممکن برای استقلال است. با این حساب وی به بازی فینال حذفی با شاهین هم نمی رسد./ منبع:خبرآنلاین

دیدار مدافع شاهین با دنیزلی

مدافع تیم فوتبال شاهین بوشهر با حضور در ورزشگاه درفشی‌فر با دنیزلی دیدار کرد. هادی شکوری مدافع شاهین بوشهر پس از تمرین پرسپولیس به ورزشگاه درفشی‌فر آمد و همین موضوع موجب تعجب خبرنگاران و حتی بازیکنان شد. وی پس از تمرین امروز دقایقی با مصطفی دنیزلی دیدار و گفت‌وگو کرد. شکوری اعلام کرد که فقط برای دیدن دنیزلی به ورزشگاه درفشی‌فر آمده اما گفته می‌شود این بازیکن برای فصل آینده با باشگاه پرسپولیس صحبت‌هایی داشته است. پرسپولیس شکوری را در نیم فصل هم می‌خواست اما باشگاه شاهین با انتقال وی مخالفت کرد.

درخشان: شاهین به شرایط آرمانی می رسد

حمید درخشان سرمربی تیم فوتبال شاهین بوشهر گفت: شاهین بوشهر به شرایط آرمانی می رسد.به گزارش شاهین بوشهر دات آی آر، حمید درخشان طی گفت و گویی با رادیو بوشهر در خصوص وضعیت تیم شاهین بوشهر عنوان نمود: تمرینات امروز(چهارشنبه) صبح و بعد از ظهر انجام شد که در این تمرینات بازیکنان خارجی و چند بازیکن دیگر بدلیل مسکلات پروازی غیبت داشتند که طی روزهای آینده به تیم ملحق خواهند شد و مسئولین در حال پیگیری امورات اردوی ترکیه هستند که به احتمال فراوان طی روزهای یکشنبه و یا دوشنبه به مدت یک هفته در ترکیه اردو خواهیم داشت. حمید درخشان در خصوص وضعیت بازی پیش رو افزود: با انجام تمرینات لازم در تهران و در اردوی ترکیه سعی داریم تیم به شرایط آرمانی لازم برسد تا بتوانیم در بازیهای آینده و بخصوص دیدارهای خانگی امتیازات کامل را کسب کنیم و برای رسیدن به این هدف با تلاش بیشتر باید در بازی با صنعت نفت آبادان با کسب سه امتیاز با روحیه ای خوب به مصاف استقلال تهران در جام حذفی و بازیهای بعدی در لیگ برتر برویم./کانون هواداران

مجید اصلانی مسئول روابط عمومی هیأت فوتبال استان بوشهر شد

مجید اصلانی به سمت مسئول کمیته فرهنگی و همچنین روابط عمومی هیأت فوتبال استان منصوب گردید. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی هیأت فوتبال استان بوشهر،طی حکمی از سوی رئیس هیأت فوتبال استان عبدالمجید اصلانی به سمت مسئول کمیته فرهنگی و همچنین روابط عمومی هیأت فوتبال استان منصوب گردید. مجید اصلانی از ورزشی نویسان زحمتکش استان بوشهر می باشد و برای ایشان آرزوی موفقیت می کنیم.

کمک دولت آزاد شد

قانون منع کمک دولت به تیم های حرفه ای ، برای فوتبال ما بخصوص در لیگ برتر مشکلات زیادی ایجاد کرده است. مجلس در این زمینه به این نتیجه رسیده که در مورد حرفه ای بودن یا نبودن تیم ها از دولت استعلام بگیرد. خبرنگار سایت گل کسب اطلاع کرد که امروز دولت در پاسخ به استعلام مجلس اعلام کرده است که تا زمانی که باشگاهها پروانه حرفه ای نگیرند ، مشمول این قانون نمی شوند و دولت می تواند آزادانه به تیم ها کمک کند.قرار است این خبر فردا رسما اعلام شود.این می تواند خبر خوبی برای باشگاهها باشد.

شاهین بدنبال ایران ایر

مشکلات مالی شدید این فصل باشگاه شاهین باعث شده تا آنها برای جذب دومین حامی مالی خود در این فصل وارد مذاکره شوند. به گزارش مهر، مشکلات مالی باشگاه شاهین بوشهر به مرحله ای رسیده که مسئولان باشگاه و حتی کادر فنی این تیم به دنبال راه حل های متفاوت برای حل آن هستند، این موضوع در حالی است که پنجشنبه گذشته جلسه استاندار با مسئولان این باشگاه برای بار دوم لغو شد. یکی از مسئولان باشگاه شاهین که خواست نامی از او برده نشود در این مورد به خبرنگار مهر گفت: "در حال حاضر با اینکه فقط ۸ هفته تا انتهای رقابتهای لیگ برتر باقی مانده روز شنبه افراشته، رئیس هیئت مدیره باشگاه شاهین و مسئولان این باشگاه با نمایندگان ایران ایر وارد مذاکره خواهند شد تا در صورت توافق این شرکت هواپیمایی پس از پست بانک دومین حامی مالی باشگاه شاهین در این فصل رقابتهای لیگ برتر باشد."

شاهین، دوشنبه در ترکیه

تیم شاهین بوشهر دوشنبه هفته جاری به ترکیه می رود تا اردویی یک هفته ای در این کشور برگزار کند. قرار است بازیکنان خارجی شاهین نیز در این اردو به تیم ملحق شوند. اردوی خارجی شاهینی ها تا سه شنبه هفته بعد ادامه دارد.

اندیشه قهرمانی جام حذفی از دیار نخل و گرما بر آسمان خلیج فارس

علیرضا محمدی : عصر نهم دی ماه تیم های استقلال تهران و شاهین بوشهر با برتری در برابر رقیبان خود، به عنوان فینالیست بیست و پنجمین دوره مسابقات فوتبال جام حذفی کشور انتخاب شدند.

شاهین پس از تساوی در نیمه نخست برابر مس کرمان در نیمه دوم توانست با گل های مهدی نوری و ایوان پترویچ برابر حریف کرمانی اش به پیروزی رسیده و نخستین فینالیست این جام لقب بگیرد. تیم فیروز کریمی با این پیروزی، کریسمس بلازویچ را هم خراب کردند. در تهران هم شگفتی ساز جام حذفی روزهای نخستین برای آبی پوشان تهران رقم زد اما در نهایت شاگردان مظلومی با تک گل دقیقه ۵۷ عمران زاده برابر شهرداری یاسوج پیروز شدند.

نحوه صعود به فینال:

شاهین در مرحله نخست این جام با نتیجه ۳ بر ۱ برابر نیروی زمینی پیروز شد و در مرحله دوم در مشهد از سد ابومسلم گذشت. در یک چهارم نهایی شاهین با نتیجه دو بر یک را مس را در غیاب مهدوی کیا شکست داد تا به جمع چهار تیم پایانی جام حذفی راه یابد استقلال هم در دور نخست ۵ بر شیرین فراز کرمانشاه از پیش رو برداشت سپس در یک ماراتن ۱۲۰ دقیقه ای به سختی از سد سایپا کرج با یک گل عبور کرد و در یک چهارم نهایی با ۳ گل پرسپولیس را از پیش رو برداشت تا با فتح شهر آورد تهران



صعود شیرینی به جمع چهار تیم پایانی جام حذفی را داشته باشد. پیروزی برابر شهرداری یاسوج ، استقلال را برای نهمین بار به فینال جام حذفی رساند .

فینال:

استقلال پس از چهار سال بار دیگر به فینال جام حذفی رسید در فصل ۸۷-۸۶ حریف آبی پوشان در جام حذفی پگاه گیلان بود که استقلال توانست جام قهرمانی را با امیر قلعه نویی جشن بگیرد. استقلال در ادوار گذشته پنج عنوان قهرمانی، سه عنوان نایب قهرمانی بدست آورد. در ۲۵ روز گذشته شاهین به عنوان نماینده اهواز در سال ۶۷ به فینال صعود کرد . حالا پس از ۲۳ سال قهرمانی شاهین اهواز شاهین بوشهر با هواداران پر شورش برای نخستین بار به جام حذفی صعود کرده و در اندیشه قهرمانی و آسیایی شدن است. مطمئنا هنوز هیچ کس فراموش نکرده که آخرین قهرمان تیمهای ایرانی در مسابقات آسیایی، مربوط به تیم پاس است که هدایت آن را فیروز کریمی بر عهده داشت.

شاهین بوشهر با پیش از شصت سال سابقه به عنوان یکی از با قدمت ترین تیم های حاضر در باشگاههای ایران با هواداران پرشور خود، در اندیشه قهرمانی جام حذفی از دیار نخل و گرما بر آسمان نیلگون خلیج فارس به پرواز درخواهد آمد.

دل نوشته هوادار شاهین

بالهایت را نبند، دار و ندار من

امیر محمدی هوادار شاهین

نمی دانم چرا همیشه در همین حوالی از فصل بایستی از ماندن بنویسیم از سقوط نکردن و البته واین مرثیه ای است که ناسروده ماند. فصل خوب شروع شد شاهین خوب نتیجه می گرفت همگی خوشحال بودیم و رده ی چهارم جدول هفته ی دوم دوباره پرسپولیس را در دریا غرق کردیم صبای مدعی را با چهار گل با بوی شرجی بدرقه کردیم .

ایام گذشت وضعیت بد نبود با نوسان ولی خوب نتیجه می گرفتیم تا این که درخشان رفت و فیروز کریمی آمد آمدن فیروز همراه شد با جام حذفی و امان از جام حذفی بازی با مس کرمان ورزشگاه مملو از تماشاگر عاشق شاهین واما بعد از بازی .....ها در بهشت (ازذکر آن کلمه معذورم) . راستی ما نداریم؟ دارایی ما چیست؟

و اما بعد بازی با پرسپولیس و تراکتور شاهین می باخت و بد می باخت ورزشگاه خالی از تماشاگر و راستی جریمه فقط مال ماست؟ حرف های آن مادربزرگ شیرزن بعد از بازی با تراکتور شیرین ولی خیلی تلخ بود و به قول عادل ما چه خوب فوتبال را می فهمیم .اما یک سوال راستی چه شده است که شاهین پایتخت انرژی ایران دیا ر نفت و گاز و شرجی و دریا چندان انرژی ندارد؟؟؟؟؟؟

در این مجال قصدم یافتن و کالبد شکافی مقصر نبوده و نیست و فقط می خواهم بگویم شرجی یعنی سختی دریا یعنی استقامت نخل یعنی سرافرازی نفت و گاز یعنی انرژی میخواهم بگویم حال که خیلی ها به شاهین انرژی نمیدهند (با پوزش از مسؤلین نفتی) دست از این اختلافات برداریم وهمگی یکدل و یکصدا پرواز دوباره شاهین را در حافظیه شیراز و بازی های لیگ فریاد بزنیم وبا تمام نداری هایمان ، دارایی مان را که عشق و غیرت است را نثار شاهین کنیم تا شاهین پرواز کند و اوج بگیرد .

ودر پایان ، دار و ندارم رو میدم ولی بالهایت نبند دار وندار من.



حسینی کنگانی:

همیشه خودم را هوادار شاهین بوشهر می دانم



مدیر عامل سابق شاهین بوشهر بار دیگر در متن خبرهای مربوط به شاهین بوشهر قرار گرفته است. او درباره بحث کمک یکی از دوستانش به این تیم گفت: من همیشه خودم را هوادار شاهین بوشهر می دانم و هر جا که باشم هر کمکی از دستم بر بیاید دریغ نخواهم کرد. هوادار هم یعنی همین. یکی می آید تیم را تشویق می کند یکی به نحو دیگری با تیم است و من هم از این قاعده مستثنی نیستم و خودم را کنار این هواداران عزیزی می بینم که لحظه لحظه شبانه روزشان را با شاهین بوشهر گره زده اند.

مجید حسینی کنگانی در مورد ماجرای کمک میلیاردی از سوی یک شرکت به شاهین بوشهر تصریح کرد: رسانه ای شدن ماجرا کار را سخت می کند. اجازه بدهید فعلاً در مورد آن موضوع حرفی نزنم چون آقای علی افراشته هم پیگیر کار هستند بهتر است تا قطعی شدن آن صبر کنیم. انشاالله که بتوانیم به شاهین بوشهر و این مردم خدمت کنیم.

وی در مورد خبر حضورش در باشگاه شاهین بوشهر اظهار داشت: آقای علی افراشته همیشه به من لطف داشته و من هم به دوستی با ایشان افتخار می کنم اما باید ببینیم حضور یک فرد چه کمکی می تواند به تیم و باشگاه بکند. من در شرایط فعلی ترجیح می دهم فقط یک هوادار باشم و این برایم مهمتر از هر چیزی است. هوادار می تواند با حضورش هر کمکی که از دستش برمی آید را انجام دهد. من هم روزی که از شاهین بوشهر استعفاء دادم ردای مدیریت را از تن درآوردم و لباس پرافتخار هواداری را پوشیدم. از لطف آقای مهندس علی افراشته هم ممنونم اما باشگاه در شرایط فعلی نیاز به آرامش و ثبات دارد و ترجیح می دهم بیرون گود اگر کمکی از دستم برآمد انجام بدهم اگر هم که نه برای موفقیت تیم دعا می کنم./ فوتبال جنوب

استقبال از دونده جهانی بوشهر

از حسن حیدرپور دونده هم استانی که در مسابقات چین سهیمه جهانی را کسب کرد، صبح پنج شنبه در فرودگاه بوشهر استقبال شد. حسن حیدرپور در فینال دو ۶۰ متر به مصاف حریفان آسیایی خود رفت و توانست مدال برنز و رتبه سومی این مسابقات را از آن خود کند.



پیروزی سرخ پوشان بندر، قصه قشنگ نشاط آور



مجید اصلانی : پنج شنبه چهارم اسفند ماه ایران جوان بوشهر در استادیوم شهید بهشتی هفته بیستم از سری مسابقات لیگ دسته اول کشور جام آزادگان میزبان تیم رتبه چهارمی جدول یعنی سایپا شمال به سرمربی گری دارابینیان بود و برنده مصاف جنوب وشمال ، جنوبی ها بودند که موفق شدند دوبار دروازه حریف شمالی در حضور مشتاقان هوادار خود در دقایق ۲۶ و ۶۸ توسط کاپیتان خسروی و فیاض بخش تسخیر نمایند و با تساوی ای که تیم شهرداری بندر عباس مقابل ابومسلم خراسان به دست آورد سرخ پوشان بوشهر با اختلاف یک امتیاز بیشتر به رتبه دوم جدول صعود نمودند .

به هرحال طعم پیروزی شیرین است و همه اهالی فوتبال بندر از این که نماینده شایسته شان امسال در لیگ دسته اول حرف اول را می زند احساس غرور وسربلندی می نمایند . تا پایان مسابقات که شش بازی دیگر باقی ست می بایست روال فعلی ، صمیمیتی که در بین گردانندگان باشگاه مردمی ایران جوان وجود دارد و احساس مسئولیت و اعتماد به نفسی که توسط بازیکنان و کادر فنی حس می شود هم چنان حفظ نمایند و از تمامی اهالی رسانه خواستاریم که بگذارید آرامش تیم حفظ شود تا تیم و مدیریت آن بتوانند به اهداف از پیش تعیین شده دست بیابند و حالا باید روی بازی با پیام مخابرات تمرکز نماییم.

این روزها شاهد به نمایش درآمدن لذت فوتبال وتلفیق فرهنگ جذاب بوشهر – اصفهان – خوزستان در قالب کالبد ایران جوان بوشهر در لیگ آزادگان هستیم . بازیکنان جوان و با تجربه هایی که این روزها سوژه قشنگ رسانه ها شده اند و این اول کار است ویک تجربه جدید . یک تجربه جدید برای فوتبال بوشهر که البته نشان می دهد اعضا خانواده فوتبال از جمله ایران جوانی ها سرگرم دست یافتن این تجربه در عرصه فوتبال ملی هستند و تلفیق فرهنگ فوتبال بوشهر ، اصفهان ، خوزستان یک کار رمانتیک است که بازیکنان فوتبالیست به کمک بینش گران سکو نشین نقش آفرین اصلی آن می باشند وبرای رسیدن به هدف زیباترین نقش خودرا روی چمن سبز ورزشگاه به نمایش در می آورند و حالا وقت آن است مقایسه نماییم و برای تداوم این پیروزی ها نشاط آور در فوتبال بوشهری منصفانه به قضاوت بنشینیم .

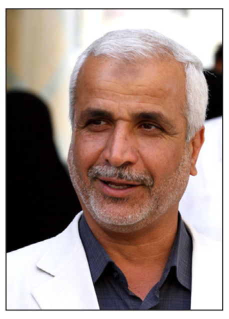
اتفاقات ویژه دربازی ایران جوان وسایپا شمال : استقبال خوب وپر نشاط فوتبال دوستان بوشهری از این دیدار بیش از گذشته بود و این بدان معناست که هواداران ایران جوان صعود به لیگ برتر را باور کرده اند و در نود دقیقه هماهنگ و بدون حاشیه فقط به تشویق تیم خود پرداختند و زمانی که به محمد احمدیان نماینده فدراسیون و ایرج نظری ناظر داوری این مسابقه مراجعه ونظرشان در مورد رفتار تماشاگران جویا شدیم هر دوفوق العاده راضی و رفتار تماشاگران بوشهری را قابل تقدیر و تحسین دانستند و این اتفاق خوبی است.

اما اتفاق دیگراین بازی را باید حرکت جالب توجه محسن فیاض بخش که درخشش در میدان مورد ستایش قرار گرفت می توان عنوان نمود: او بعد از گل زنی در منطقه فنی به سراغ سرمربی جوان گرای تیمش رفت و در اقدامی آموزنده می خواست پای معلم (سر مربی) خود را ببوسد که با ممانعت خرمزی مواجه شد و جوانان شایسته ایران جوان قدر شناس خرمزی و معماری و میهن دوست و چراغی هستند .

ایران جوان بندر بوشهر در بازی خانگی با ۱۰ بازی و کسب ۲۲ امتیاز به میانگین آمار ۲ و یک دهم امتیاز و در بازی خارج ازخانه با کسب ۱۵ امتیاز و میانگین یک ونیم در هربازی کارنامه موفقی ارایه داده است .

پشت دروازه فوتبال

میگلی نژاد: همانند گذشته در کنار شاهین می مانم



نماینده بوشهر، گناوه و دیلم می گوید: اجرای مصوبه سفر سوم هیات دولت به استان راهکار برون رفت باشگاه شاهین از مشکلات مالی می باشد.

غلامعلی میگلی نژاد در دیدار با محمدپور مدیرعامل شاهین افزود همانند گذشته در کنار شاهین به عنوان باشگاهی مردمی خواهم بود. وی افزود: با اجرای مصوبه وزارت نفت، مشکل مالی باشگاه شاهین رفع شده، شاهین به جایگاه واقعی خود دست یافته و نگرانی هواداران و مسئولین هر چه سریع تر برطرف می گردد.

در این جلسه مقرر شد مصوبات اخیر وزارت نفت در خصوص حمایت مالی از باشگاه شاهین بررسی و موانع موجود جهت استفاده این باشگاه از منابع مالی وزارت نفت مرتفع گردد.

در این جلسه همچنین مقرر شد، میگلی نژاد عضو کمیسیون انرژی پیگیری های خود را با وزارت نفت در تهران انجام و با حمایت استاندار، مصوبه وزارت نفت سریعتر اجرایی شود تا مشکل مالی باشگاه شاهین برطرف شده و این باشگاه به جایگاه واقعی خود دست یابد.

آمار جالب از بازی های ملی حسین ماهینی



حسین ماهینی مدافع بوشهری تیم ملی در هفتمین بازی ملی خود خوش درخشید. ماهینی که این روزها شماره ۱۳ تیم ملی فوتبال ایران را می پوشد در بازی دوستانه ایران مقابل اردن یک پاس گل عالی را برای قاضی فراهم کرد تا کی روش همچنان بدون شکست باقی بماند. او در هفتمین بازی ملی سومین پاس گل خود را داد تا نشان دهد می خواهد یک ستون قابل اطمینان برای آینده این فوتبال باشد. او حالا در کارنامه اش ۷ بازی ملی با ۳ پاس گل دارد. فوتبالیست بوشهری ذوب آهن اصفهان نوید ظهور یک بازیکن شش دنگ را برای فوتبال ملی ایران می دهد./ منبع:فوتبال بوشهر

لغو مجدد جلسه شاهینی ها با استاندار

برای دومین بار جلسه مدیران شاهین با استاندار بوشهر لغو شد. در حالی که هفته گذشته در دو مرحله قرار بود استاندار میزبان شاهینی ها باشد تا برای رفع مشکلات مالی تصمیم گیری شود هر دو بار به دلیل حضور افراشته در تهران این موضوع منتفی شد. دومین بار آن پنجشنبه شب قرار بود برگزار شود که خبر منتفی شدن آن مخابره گردید.

درخشان پیگیر حل مشکلات مالی

حمید درخشان سرمربی شاهین این روزها به دنبال حل مشکلات مالی است و می گوید تا این دغدغه بازیکنان در آستانه عید نوروز حل نشود نمی توان توقعی داشت. او هفته گذشته به همراه افراشته و حسینی کنگانی سفری به یکی از جزایر ایرانی خلیج فارس داشته اند تا مذاکراتی برای حل مشکلات انجام دهند. گفته می شود خروجی این رایزنی ها به آنجا ختم شده که شاید از آن محل کمکی به شاهین صورت گیرد اما با توجه در پیش بودن عید نوروز و مشغله های کاری ومالی شرکت ها وبعد از آن هم تعطیلات نوروزی، این کمک ها در اوایل اردیبهشت صورت خواهد گرفت.

تمرینات فعلا در تهران

حمید درخشان معتقد است در صورتی تیم را به ترکیه می برد که قبل از آن بخشی از مطالبات بازیکنان پرداخت شده باشد. تا حل این مشکل، قرار است تمرینات در تهران دنبال شود. آنها این روزها در پایتخت حضور دارند وخود را برای بازی روز ۲۰ اسفند با نفت آبادان و ۲۵اسفند در چارچوب فینال جام حذفی آماده می کنند.

دسته چک نیست

صدور چک‌های متعدد از سوی مسئولان باشگاه شاهین نقد نشدن آنها باعث شد پست بانک از صدور دسته چک‌های جدید برای این باشگاه امتناع کند. هفته گذشته صادق کرمی بازیکن سابق تیم شاهین که در حال حاضر به گهرزاگرس پیوسته است برای تسویه حساب به باشگاه سابقش رفت اما موفق نشد مابقی طلبش را از این باشگاه بگیرد ظاهراً شاهینی‌ها آنقدر چک صادر کرده‌اند که دسته چکهایشان تمام شده است از طرف دیگر چون اغلب چکهای صادر شده برگشت خورده و فاقد اعتبار بوده است، پست بانک حامی مالی این تیم از صدور دسته چک جدید برای آنها خودداری می‌کند. به این ترتیب شاهینی‌ها که تا دیروز پول نداشتند حالا حتی چک هم ندارد تا کمی طلبکاران را راضی کنند./منبع:گل

بازیکنان شاهین با ریش سفیدی در تمرینات حاضر شده‌اند

حمید درخشان در مورد وضعیت تیم شاهین بوشهر گفت: در حال حاضر با ریش سفیدی بازیکنان در تمرینات حاضر می‌شوند و در تهران اردو زده‌ایم. مدیران باشگاه قول داده‌اند تا روز دوشنبه بخشی از مشکلات مالی برطرف می‌شود. اگر این اتفاق بیفتد دوشنبه به ترکیه می‌رویم و اردویی یک هفته‌ای برگزار می‌کنیم.

وی در مورد اینکه در صورت حل نشدن مشکلات مالی چه اتفاقی رخ می‌دهد گفت: کار ما سخت می‌شود. مدیران باشگاه در تلاش هستند که مشکلات هر چه سریع‌تر برطرف شود.